



قدم به قدم، همراه دانشجو...

WWW.GhadamYar.Com

جامع ترین و به روزترین پرتال دانشجویی کشور (پرتال دانش)  
با ارائه خدمات رایگان، تحصیلی، آموزشی، رفاهی، شغلی و...  
برای دانشجویان

- (۱) راهنمای ارتقاء تحصیلی. (کاردانی به کارشناسی، کارشناسی به ارشد و ارشد به دکتری)
- (۲) ارائه سوالات کنکور مقاطع مختلف سالهای گذشته، همراه پاسخ، به صورت رایگان
- (۳) معرفی روش‌های مقاله و پایان‌نامه نویسی و ارائه پکیج‌های آموزشی مربوطه
- (۴) معرفی منابع و کتب مرتبط با کنکورهای تحصیلی (کاردانی تا دکتری)
- (۵) معرفی آموزشگاه‌ها و مراکز مشاوره تحصیلی معتبر
- (۶) ارائه جزوات و منابع رایگان مرتبط با رشته‌های تحصیلی
- (۷) راهنمای آزمون‌های حقوقی به همراه دفترچه سوالات سالهای گذشته (رایگان)
- (۸) راهنمای آزمون‌های نظام مهندسی به همراه دفترچه سوالات سالهای گذشته (رایگان)
- (۹) آخرین اخبار دانشجویی، در همه مقاطع، از خبرگزاری‌های پربازدید
- (۱۰) معرفی مراکز ورزشی، تفریحی و فروشگاه‌های دارای تخفیف دانشجویی
- (۱۱) معرفی همایش‌ها، کنفرانس‌ها و نمایشگاه‌های ویژه دانشجویی
- (۱۲) ارائه اطلاعات مربوط به بورسیه و تحصیل در خارج و معرفی شرکت‌های معتبر مربوطه
- (۱۳) معرفی مسائل و قوانین مربوط به سرگذری، معافیت تحصیلی و امریه
- (۱۴) ارائه خدمات خاص ویژه دانشجویان خارجی
- (۱۵) معرفی انواع بیمه‌های دانشجویی دارای تخفیف
- (۱۶) صفحه ویژه نقل و انتقالات دانشجویی
- (۱۷) صفحه ویژه ارائه شغل‌های پاره وقت، اخبار استخدامی
- (۱۸) معرفی خوابگاه‌های دانشجویی معتبر
- (۱۹) دانلود رایگان نرم افزار و اپلیکیشن‌های تخصصی و...
- (۲۰) ارائه راهکارهای کارآفرینی، استارت آپ و...
- (۲۱) معرفی مراکز تایپ، ترجمه، پرینت، صحافی و ... به صورت آنلاین
- (۲۲) راهنمای خرید آنلاین ارزی و معرفی شرکت‌های مطرح ..... (۲۳)



WWW.GhadamYar.Ir

WWW.PortaleDanesh.com

WWW.GhadamYar.Org

۰۹۱۲ ۳۰ ۹۰ ۱۰۸

باما همراه باشید...

۰۹۱۲ ۰۹ ۰۳ ۸۰۱

[www.GhadamYar.com](http://www.GhadamYar.com)

## به نام خدا

### جزوه آیین دادرسی کیفری 2

دکتر خالقی

[www.JOZVE30TI.ir](http://www.JOZVE30TI.ir)

[telegram.me/jozve30ti](https://telegram.me/jozve30ti)

[instagram.com/jozve30ti](https://instagram.com/jozve30ti)

با سلام

این محتوی از سایت رسمی «جزوه ۳۰تی» دانلود و تهیه شده است. برای دانلود جزوات بیشتر به آدرس سایت [www.Jozve Ti.ir](http://www.Jozve Ti.ir) مراجعه کنید. همچنین برای این که چیزی را از دست ندهید، کانال تلگرام و اینستاگرام ما فراموشتان نشود. بابت انتخابات ممنونیم...

## آیین دادرسی کیفری (دکتر خالقی) مقدمه

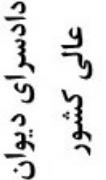
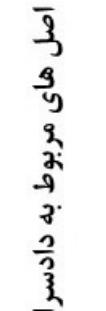
تعریف آدک	مجموعه اصول مقرراتی است برای کشف جرم - تعقیب متهم- تحقیق از او - تعیین صلاحیت - روش کار مراجع تحقیق و حکم- تجدید نظر از تصمیمات اجرای احکام کیفری	
محتوای آدک	<p>چگونگی نشان دادن واکنش در برابر مجرم و عمل مجرمانه - پل ارتباطی میان جرم و مجازات</p> <p>( تعقیب بر عهده دادستان - تحقیق بر عهده بازپرس - محاکمه بر عهده قاضی - اجرای حکم بر عهده دادستان )</p>	
هدف	اعاده نظم لطمہ دیده از جرم از طریق سازماندهی نهادهای عدالت کیفری حفظ حقوق و آزادی های اساسی افراد از طریق تنظیم واکنش جامعه در برابر بزهکاری	
شباخت با آدم	در هر دو سخن از نحوه رسیدگی دادگاه ها به دعاوی است.	
تفاوت با آدم	<p>دادرسی کیفری ← یک طرف دادستان(نماینده جامعه) و طرف دیگر متهم</p> <p>دادرسی مدنی ← امور جزایی</p> <p>دادرسی مدنی ← امور حقوقی</p> <p>دادرسی مدنی ← اصحاب دعوای</p>	<p>دادرسی کیفری ← امور جزایی</p> <p>دادرسی مدنی ← امور حقوقی</p> <p>دادرسی مدنی ← اصحاب دعوای</p>
رجوع به آدم در امور کیفری	<p>در مواردی که درباره موضوع ، حکمی در آیین دادرسی کیفری نباشد به شرط آنکه:</p> <p>۱- ماده موجود در دادرسی مدنی با دادرسی کیفری تعارض نداشته باشد.</p> <p>۲- حق را از متهم یا مثاکی ضایع نکند.</p>	
خصوصیات آدک	<p>اصولاً قوانین آیین دادرسی کیفری شکلی هستند (ویژگی های قوانین شکلی )</p> <p>۱- تفسیر موسوع و تفسیر از طریق قیاس برای اجرای بهتر عدالت و کشف حقیقت</p> <p>۲-اجراهای فوری (عطف به مسابقه شدن به همان دلایل مذکور)</p>	
اتهامی	<p>۱- اولین و قدیمی ترین شیوه    ۲- لزوم طرح شکایت برای رسیدگی    ۳- علنی بودن    ۴- شفاهی بودن    ۵- ترافعی بودن</p> <p>مزیت : حقوق دفاعی متهم را به خوبی تامین می کند.</p> <p>عیب: عدم تامین منافع اجتماعی در اثر لزوم دخالت بزه دیده برای تعقیب و محدود بودن قاضی برای قبول دلایل مشخص و از پیش تعیین شده.</p>	
تفقیشی	<p>۱- خواستگاه: امپراطوری روم سفلی    ۲- وجود مرجعی برای تعقیب و تقاضای محاکمه متهم (قابل شدن حقی مستقل برای جامعه)</p> <p>۳-غیر علنی بودن    ۴- کتبی بودن    ۵- غیر توانعی بودن</p> <p>مزیت: دفاع به خوبی از جامعه (قابل شدن مستقل برای جامعه .</p> <p>عیب: در معرض تجاوز قرار داشتن متهم در برابر قاضی به خاطر غیر علنی و غیر ترافعی بودن محاکمه</p>	
مخالط	<p>تفکیک دو مرحله تحقیق و محاکمه: مرحله تحقیق: نظام تفتشی</p> <p>تحول در نظام مخالط: کاسته شدن از نقیشی یودن مرحله تحقیق</p>	
تعادلی	<p>۱- عدم تفکیک مرحله تحقیق از محاکمه    ۲- وحدت قاضی</p> <p>۳- یک درجه ای بودن رسیدگی مگر در موارد استثنائی.</p>	
اسلامی		

آدک دادرسی کیفری و بنگی

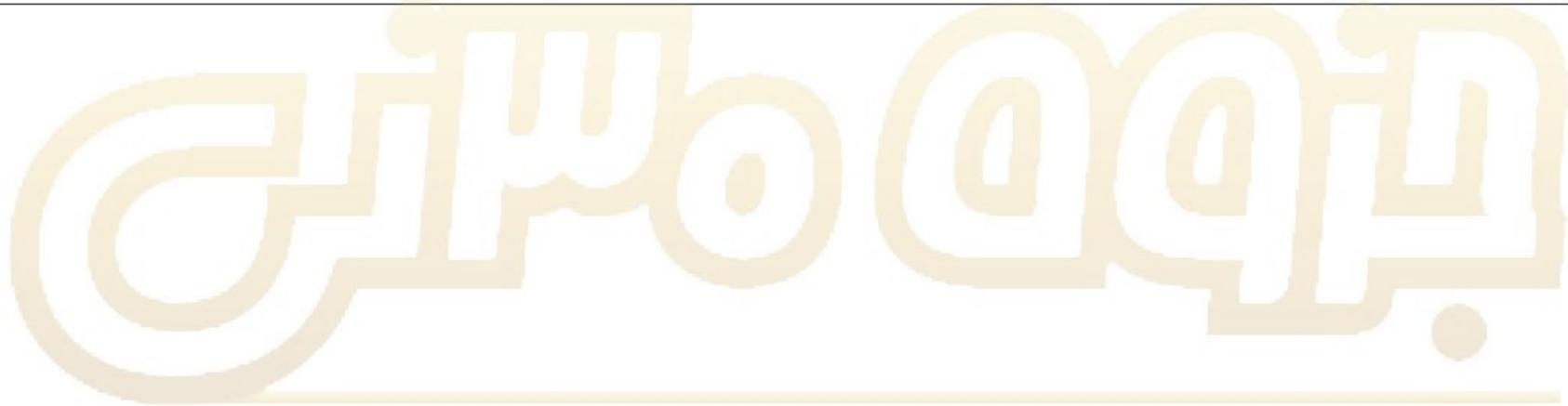
## دعای ناشی از جرم

دعای ناشی از جرم	
۱- دعای عمومی: برای اجرای مجازات یا اقدامات تامینی به مرتكب جرم	۲- دعوى خصوصى: برای جبران خسارت زیان دیده از جرم
امروز مرجع دعوى عمومى در بسيارى از کشورها از جمله ایران دادسرا است.	مراجع تعقیب
۱- سابقه: قرن چهاردهم میلادی در فرانسه- پس از پیروزی انقلاب کبیر فرانسه (۱۷۸۹) دادسرا حفظ شد اما اختیار شروع به تعقیب از آن سلب شد ولی اندکی بعد دوباره دادسرا به صورت کنونی باز سازی شد.	دستورالعمل دادسرا
۲- در ایران: در سال ۱۲۹۰. ش با اقتباس قانون اصول محاکمات جزائی از قوانین فرانسه به حقوق ایران راه یافت و با تصویب قانون اصول تشکیلات دادگستری (۱۳۰۷) مرجع تعقیب به عنوان مدعی العموم شناخته شد که دو وظیفه بر عهده داستان: ۱- حفظ حقوق عامه- ۲- نظرارت بر حسن اجرای قوانین با تصویب قانون ت. د. ع. ۱ در تاریخ ۱۵/۴/۷۳ دادسراها منحل شدند و وظایف دادستان بر عهده رئیس حوزه قضائی نهاده شد ولی دیری نپایید ظرف کمتر از یک سال با اصلاح قانون مذکور، معروف به قانون احیاء دادسراها در سال ۱۳۸۱ دادسراها دوباره تشکیل یافتند.	دستورالعمل دادسرا
۱- کشف جرم- ۲- تعقیب متهم- ۳- اقامه دعوى از جنبه حق الهی- ۴- حفظ حقوق عمومی و حدود اسلامی- ۵- اجرای حکم- ۶- رسیدگی به امور حسبيه	وظایيف دادسراها
۷- رسیدگی به برخی امور حقوقی، مثلا: نصب قيم (ماده ۱۲۲۳ ق.م) نصب امين برای غایب مفقودالاثر (ماده ۱۰۱۲ ق.م)	
در یک دادسرا، دادستان، معاون دادستان، دادیار از لحاظ سلسله مراتب در طول هم قرار دارند. دادیار علاوه بر تعیيت از نظرات دادستان ملزم به رعایت نظر معاون او نیز هست و کلیه قرارهای دادیار باید با موافقت دادستان باشد و در صورت اختلاف نظر دادستان متبع است.	سلسله مراتب
باز پرس: از قضات دادسرا بوده ولی تابع سلسله مراتب نیست. و جز در موارد استثنائي تکلیفي به تعیيت از دادستان ندارد.	
سلسله مراتب: فقط در میان قضات حوزه یک دادسرا وجود دارد و دادیار حوزه قضائي یک شهرستان از نظر دادستان حوزه قضائي دیگر تعیيت نمی کند.	
در دادسرا، دادستان، معاون او، دادیار، هر یک ممکن است به جای یکدیگر انجام وظیفه کنند. مثلاً دادستانمن در پروندهایی که خود شخصاً صلاحیت انجام تحقیقات را دارد می تواند خود شخصاً به این کار بپردازد (و نیز در دفاع از کیفر خواست) یا آن را به معاون یا یکی از دادیارها واگذار نماید.	دادگاه موقوف
در برابر دادگاه: دادگاه اگر در جریان رسیدگی از وقوع جرمی مطلع شد نمی تواند شروع به تعقیب آنرا از دادسرا بخواهد و چنانچه دادسرا کیفرخواست صادر کرد دادگاه موظف به رسیدگی است.	اعتصاب دادگاه
در برابر متهم و شاكى: می تواند هر تحقيقى را لازم باشند انجام دهد - هر قرار تاميني که ضروري داست صادر کند - بدون تقاضاي شاكى تعقیب کيفري را به جريان اندازد یا حتی در صورت شکایت قبلی شاكى، به گذشت او تربیت اثر نداده و تعقیب را همچنان ادامه دهد.	دادگاه
باز پرسی و دادیار به عنوان قضات تحقيق قابل رد هستند و نیز در جهات رد خود باید از رسیدگی به پرونده خوداری کنند.	قاديان دادسرا
دادستان: در مورد رد وی به علت وجود نداشتن نص در قانون ابهام وجود دارد زیرا ماده ۳۳۵ ق.آ.د. ک نسبت به دادسرا قابل اجراء نیست ولی با در نظر گرفتن روح مواد می توان گفت باید از دخالت در پرونده در صورت وجود جهات رد خودداری می کند.	عدم مسئوليت
در صورت براثت متهم از اتهام، دادسرا را نمی توان به جبران خسارت متحمل محاکوم یا او را مفتری دانست، مگر در صورت ارتکاب یک خطای مشخص	

## تشکیلات دادسرها

	<p><b>دادسرای دیوان عالی کشور:</b> در کنار دیوان عالی کشور انجام وظیفه می کند و به تبع دیوان عالی کشور و شعب آن در تهران - قم - مشهد مستقر هستند.</p> <p><b>قلمر و صلاحیت محلی آن:</b> تمام کشور</p> <p><b>وظیفه دادسرای دیوان عالی کشور:</b> که مرکب از دادستان کل - چند معاون - تعدادی دادیار است انجام اموری است که بر عهده دادستان کل قرار گرفت است. به عنوان مثال : ۱- احواله پرونده کیفری از حوزه های به حوزه دیگر (ماده ۶۴ آدک) ۲- در خواست ایجاد وحدت رویه در مورد اختلاف آراء صادره (ماده ۲۷۰ آدک) ۳- در خواست آماده دادرسی بند ۲ ماده ۲۷۳</p>
<b>دادسرای عمومی و انقلاب</b>	<p>دادسرای عمومی و انقلاب: متشکل از تعدادی دادیار و باز پرس تحت ریاست دادستان عمومی و انقلاب است که در راس دادسرا قرار داشته و دارای چند معاون است که کلیه وظایف دادسرا در جرایم مشمول صلاحیت دادگاهای عمومی و انقلاب و کیفری استان به آن واگذار شده است.</p> <p>از لحاظ محلی در هر حوزه قضائی شهرستان ایجاد می شود و دادسرای بخش و استان وجود ندارد.</p>
<b>دادسرای نظامی</b>	<p>دادسرای نظامی: به منظور رسیدگی به جرایم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی اعضای نیروهای مسلح تشکیل شده که مرکب از دادستان - معاون دادستان - دادیار - باز پرس بوده و در کنار دادگاه های نظامی قرار دارد. در مرکز استان ها و شهر هایی که رئیس قوه قضائیه لازم بداند تشکیل می شود و نحوه رسیدگی آنها طبق آ.د. ک ۱۲۹۰ شمسی مشخص شده است.</p>
<b>ویژه روحانیت</b>	<p>دادسرای ویژه روحانیت: در معیت دادگاه ویژه روحانیت عمل می کند که در یازده شهر وجود دارد و صلاحیت آنها رسیدگی (تعقیب و تحقیق) کلیه جرایم و یا اعمال منافی شأن روحانیت- کلیه اختلافات محلی مخل به امنیت عمومی در صورتی که طرف اختلاف روحانی باشد و نیز اموری که از سوی مقام رهبری ارجاع می گردد ، است که دارای داستان - معاون - دادیار است ولی باز پرس در تشکیلات این دادسراها پیش بینی نشده است.</p>
	<p>۱. اصل قانونی بودن یا الزامی بودن تعقیب: دادسرا عهده دار کشف جرم، تعقیب متهم، اقامه دعوى از جنبه حق اللهی و حفظ حقوق عمومی و حدود اللهی است. یعنی هر گاه دادسرا به طریقی از وقوع جرم مطلع شود و وقوع جرم برای دادسرا مسلم باشد باید تعقیب کیفری را شروع کند و نمی توان آن را نادیده گرفت.</p> <p>۲. اصل موقعیت داشتن یا مناسب بودن تعقیب: فایده این اصل تساوی موقعیت همه افراد در برابر دادسراست. یعنی دادستان باید مجاز باشد که در مواردی که تعقیب کیفری متهم به مصلحت جامعه نیست تحت شرایطی که در قانون پیش بینی شده از تعقیب صرف نظر کرده و از صدور کیفر خواست خودداری نماید. مثل صدور قرار تعليق تعقیب که با وجود شرایط ذيل ممکن است: ۱- اقرار مقرنون به موقع توسط متهم ۲- فقدان سابقه کیفری موثر ۳- فقدان شاکی خصوصی (درجائم غیر قابل گذشت) یا استرداد و شکایت از سوی او ۴- جنحه ای بودن اتهام متهم (در صلاحیت انحصاری باز پرس نبودن اتهام) ۵- عدم پیش بینی اتهام در باب دوم قانون مجازات عمومی (تعزیری بودن اتهام و مربوط نبودن به حدود و قصاص و دیات)</p>

- ۱- اقرار متهم: (اقرار العقلاء علی انفسهم جائز) - در جرائمی که تعقیب آنها منوط به شکایت شاکی خصوصی است اقرار متهم به تنها برای شروع به تعقیب کافی نیست و باید منتظر وصول شاکی شده ولی دستورات لازم را برای حفظ آثار و دلایل جرم به ضابطین دادگستری باید داد.
- ۲- شکایت شاکی خصوصی: شکایت می تواند کتبی یا شفاهی باشد و شکایت شفاهی در صورت مجلس قید و به امضاء شاکی می رسد. هر گاه شاکی نتواند متهم را معین کند و یا نتواند دلایل کافی برای تعقیب او ارائه دهد دادستان مکلف به شروع تعقیب کیفری برای شناسایی متهم و جمع آوری دلیل است و حتی اگر جرم از جرایم غیر قابل گذشت باشد و شاکی از شکایت صرف نظر کند باز مکلف به تعقیب است.
- ۳- اعلام جرم توسط دیگران (غیر از مباشر، مشارکت ، معاون): شرط تعقیب توسط دادستان با اعلام جرم: ۱- شروع به تعقیب منوط به شکایت شاکی نباشد. ۲- اعلام جرم توسط کسی که خود وقوع آنرا دیده باشد و یا صحت ادعایش محرز باشد.
- اعلام جرم توسط: ۱- شهروندان (عدم رعایت آن به عنوان ترک فعل جرم نبوده و قابل مجازات نیست. ۲- توسط ضابطین دادگستری (مقاضات ذی صلاح) در صورت تخلف ضمانت اجرا مقرر شده است



ارائه دهنده جزوه و نمونه سوالات مدارس و دانشگاه‌ها

## ضابطین دادگستری

<b>ضابطین عام</b>	<p>ضابطین دادگستری در انجام وظایف خود دارای اختیاراتی هستند که حتی می تواند منجر به سلب آزادی شهروندان شود</p> <p><b>ضابطین عام:</b> صلاحیت دخالت در هر جرمی را دارند و اختیارات آنها محدود به جرائمی معین یا شرایطی خاص نیست. در حال حاضر تنها ضابط عام نیروی انتظامی جمهوری اسلامی است و شامل کارکنان این نیرو اعم از وظیفه - کادر- در هر اداره و یگان این نیرو با هر درجه ای می شود.</p>
<b>ضابطین خاص</b>	<p><b>ضابطین خاص:</b> صلاحیت دخالت آنها محدود به جرایم خاص یا شرایط معین است و در خارج این شرایط و موارد حق مداخله و اقدام ندارند که عبارتند از:</p> <ul style="list-style-type: none"> <li>۱- روسا و معاونین زندان نسبت به امور مربوط به زندانیان (جرائم ارتکابی زندانیان در محیط زندان)</li> <li>۲- مامورین نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران با وجود شرایط زیر: الف) نوع جرم؛ فقط جرایم مشهود.      ب) اوضاع و احوال:</li> <li>۳- اعلام نیاز ضابطین دیگر      ۴- عدم اقدام به موقع ضابطین دیگر با وجود حضور در محل به هر دلیل      ۵- شخص ضابط: دارا بودن مجوز مخصوص.</li> <li>۶- نیروها ی مسلح با تصویب شورای عالی امنیت ملی جهت تقویت نیروهای انتظامی در حال ضرورت</li> <li>۷- ماموران وصول عایدات و کشف قاچاق : در مواردی که دوائر دولتی تعطیلنند یا دسترسی به آنها نباشد برای جلوگیری از فرار اشخاص که مال قاچاق نزد آنها کشف شده موقتاً آنها را توقيف و به محض افتتاح دوائر مربوط یا دسترسی به مامورین کشف جرم ظرف ۲۴ ساعت به آنها تسلیم می نمایند و در صورت عدم تحويل ظرف مدت مذکور مجازات خواهند شد.</li> <li>۸- فرمانده هوایپیما: تا زمانی که مداخله مامورین صلاحیت دار میسر شود جرائم داخل هوایپیما را تحقیق و تفتیش مقدماتی کرده و مظنونین به ارتکاب جرم را توقيف</li> <li>۹- مامورین جنگلبانی      ۱۰- مامورین شکاربانی      ۱۱- مامورین سازمان بنادر و کشتیرانی</li> <li>۱۲- اعضای سپاه پاسداران : ماموریت سپاه مبارزه با عوامل و جریانهایی که در صدد خرابکاری، براندازی یا اقدام علیه جمهوری اسلامی - نفی حاکمیت قوانین جمهوری اسلامی از طریق توسل به قوه قهریه باشند - اقدام به خلع سلاح کسانی که بدون مجوز قانون اسلحه و مهمات محل و نگهداری می کنند - همکاری با نیرو های انتظامی در موقع لزوم در جهت برقراری نظم و امنیت.</li> <li>۱۳- مامورین وزارت اطلاعات یا پرسنل اطلاعات سپاه : ضابط دادگستری نیستند با این همه در قانون برنامه چهارم توسط اقتصادی در انجام اقدامات لازم در کشف «مfasد کلان اقتصادی و سرقت میراث فرهنگی» ضابط تلقی شده اند.</li> </ul>
<b>ریاست و نظارت بر ضابطین</b>	<p>ریاست و نظارت بر ضابطین دادگستری از حیث وظایفی که به عنوان ضابط بر عهده دارند یا <u>دادستان</u> است.</p> <p>نظارت دادستان: نظارت عام و کلی بر انجام وظایف آنها در پیشگیری از وقوع جرم از طریق گشت زنی و اعلام به موقع جرم به دادستان و نحوه اقدام آنها در برخورد با جرایم مشهود</p> <p>نظارت مقام قضائی: نظارت بر اجرای دستورات مقام قضائی در تحقیق و باز جوئی در پرونده ای خاص است که توسط مسئول همان پرونده به ضابطین ارجاع و نظارت لازم اعمال</p>
<b>تکالیف ضابطین</b>	<p>ضابطین دادگستری مکلفند دستورات مقام قضائی را اجرا کنند در صورت تخلف به سه ماه تا <u>یکسال</u> انفال از خدمت دولت یا از یک تا شش ماه حبس محکوم</p> <p>ضابطین دادگستری مکلفند در اسرع وقت و در مدتی که مقام قضائی تعیین می نماید نسبت به انجام دستورات و تکمیل پرونده اقدام کنند چنانچه به هر علت اجرای دستور و یا تکمیل پرونده مسیر نگردد موظفند در پایان هر ماه <u>گزارش</u> آن را با ذکر علل به مقام قضائی ذیربطر ارسال نمایند متخلف از این امر به مجازات ذکر شده در بالا محکوم خواهد شد.</p>

وظیفه عام: تبعیت از دستورات مقام قضائی وظیفه خاص: به تفکیک در جرائم مشهود - غیر مشهود ذیلا مورد بررسی قرار می گیرد:	وظایف
<p>۱- <b>جرائم مشهود:</b> جرم در این موارد مشهود است: ۱- جرم در مرئی و منظر ضابطین دادگستری واقع شده یا بلاfacله مامورین یاد شده در محل وقوع جرم حضور یافته یا آثار جرم را بلاfacله پس از وقوع جرم مشاهده کنند. ۲- در صورتی که دو نفر یا بیشتر که ناظر وقوع جرم بوده اند یا مجنی علیه بلاfacله پس از وقوع جرم شخص معینی را مرتکب جرم معرفی نمایند. ۳- بلاfacله بعد از وقوع جرم علائم و آثار واضحه یا اسباب و دلایل جرم در تصرف متهم یافت شود یا تعلق اسباب دلایل یاد شده به متهم محرز گردد. ۴- در صورتی که متهم بلاfacله پس از وقوع جرم قصد فرار داشته یا در حال فرار یا فوری پس از آن دستگیر شود. ۵- در مواردی که صاحبخانه پس از وقوع جرم ورود مامورین را به خانه خود تقاضا نماید ۶- وقتی که متهم ولگرد باشد.</p>	جرائم مشهود
<p>۱- انجام تمامی اقدامات لازم به منظور حفظ آلات و ادوات جرم و آثار و علائم و دلایل جرم و جلو گیری از فرار متهم و یا تبائی و تحقیقات مقدماتی ۲- گزارش جرم و تحقیقات و اعمال انجام شده به مقام قضائی</p>	وظایف و اختیارات
<p><b>تحقیقات مقدماتی:</b> مجموعه اقداماتی است که برای کشف جرم و حفظ آثار و ادله وقوع آن و تعقیب متهم از بدوجردن میگیرد در جرائم مشهود حتی اگر برای حفظ دلایل جرم و جلو گیری از فرار متهم یا تبائی او با دیگران لازم تشخیص داده شود ضابطین می توانند بدون اجازه مالک وارد منزل او شوند و یا حتی <u>اگر جلب لازم باشد</u> متهم را جلب نمایند. (به وسیله ورود به منزل)</p>	تحقیقات مقدماتی
<p>جلب: دستگیری و محدود ساختن موقت آزادی رفت و آمد شخص در جریان دستگیری از ایدای افراد باید اجتناب شود.</p>	جلب
<p>اصل ضرورت: ماموری که در صحنه وقوع جرم حاضر گردید. عهده دار اقدامات مقدماتی است ولی در تشخیص خود برای جلب و ورود به منزل ... آزاد نیست و اقدامات او تابع اصل ضرورت است.</p>	اصل ضرورت
<p>۱- تکالیف سلبی و ایجابی ضابط در رابطه با جلب: ۱- موضوع اتهام را کتبه به متهم تفهیم کند. ۲- دستگیری متهم به خانواده او اطلاع داده شود ۳- مدت جلب و نگهداری متهم از <u>۲۴ ساعت بیشتر نگردد</u> (حداکثر ظرف <u>۲۴ ساعت پرونده</u> مقدماتی به مراجع قضائی صالح در سال و مقدمات محکمه در اسرع وقت فراهم گردد و متخلف از این اصل طبق قانون مجازات خواهد شد. (اصل ۳۲ ق.ا).</p>	تکالیف ضابط در رابطه با جلب
<p>ضابطین حق اخذ تامین از متهم را نداند و چنانچه دادستان، باز پرس، دادیار نیز دستور اخذ را به ضابطین دهنند دستور در زمرة اول غیر قانونی و غیر قابل اجرا است.</p>	أخذ تامین
<p>در غیر از موارد مذکور در جرائم مشهود بقیه جرائم غیر مشهود هستند.</p>	جرائم غیر مشهود
<p>وظایف: به محض اطلاع از وقوع جرم در جرایم غیر مشهود مراتب راجهت کسب تکلیف و اخذ دستور لازم به مقام ذی صلاح قضائی اعلام می کنند. اگر وقوع آن جرم از نظر ضابطین محل تردید باشد باید قبل از اعلام آن به دادسرا اقدام به تحقیقات لازم کرده و صحت و سقم آن را بررسی کرده و پس از اطمینان از وقوع جرم به دادستان اطلاع دهنند فاقد اختیاراتی هستند در مورد جرائم مشهود دارند: از قبیل: ۱- ممنوعیت از تفتیش منازل - اماكن و اشیاء- جلب متهم، بدون اجازه مخصوص (دستور مقام قضائی با ذکر نام متهمی که باید جلب شود یا اعلام نشانی منزل یا مشخصات اشیاء مورد تفتیش . ۲- ایجاد پست های ایست و بازرسی در خیابانها و مبادی ورودی شهر ها و اقدام به بازرسی خودروهای عبوری که ممنوع است مگر اینکه تشخیص داده شود و از نظام قضائی صالح اجازه مخصوص به نام شخص - شیء - منزل (با تمام جزئیات) گرفته شود.</p>	وظایف و اختیارات

## آیین دادرسی کیفری (دکتر خالقی) شروط و موانع تعقیب

شروط خاص	تعقیب
۱- لزوم شکایت شاکی خصوصی: جرم عملی است که به دلیل لطمہ به نظم عمومی منوع و برای آن ضمانت اجرای کیفری تعیین شده است لذا هر جرمی دارای جنبه عمومی است و اگر چنین نبود عمل مباح جرم دانسته نمی شد. پس اصل بر لزوم تعقیب متهم به ارتکاب جرم است و دادستان نباید در انتظار تسلیم شکایت شاکی بماند با این حال دسته ای از جرایم چون جنبه خصوصی شان در مقایسه با جنبه عمومی شدت و اهمیت بیشتری دارد قانونگذار دخالت دادستان را منوط به درخواست بزه دیده نموده است	تفکیک جرایم
جرایم از لحاظ اقامه و تعقیب به سه دسته تقسیم شده اند: ۱- جرایمی که تعقیب آنها بر عهده دادستان است چه شاکی خصوصی شکایت کرده یا نکرده باشد ۲- جرائمی که با شکایت شاکی تعقیب شده و با گذشت شاکی موقوف نخواهد شد. ۳- جرائمی که با شکایت شاکی تعقیب می شوند و با گذشت وی تعقیب موقوف خواهد شد.	تفکیک جرایم
تفکیک امر جزائی که تابع کدام نوع یاد شده است به موجب قانون می باشد. مثلا ماده ۷۲۷ ق.م.ا جرائمی را که جز با شکایت شاکی تعقیب نمی شوند را نام برده است یا ماده ۵۱۶ ق.م.ا در مورد سوء قصد به جان رئیس یک کشور خارجی و یا ماده ۱۱ ق صدور چک از مصادیق این جرائمند.	شرط شاکی خصوصی
اقدام به شکایت نوعی استیفاء حق است و اعمال آن مسلزم داشتن اهلیت است. اگر بزه دیده فاقد اهلیت باشد (مجبور بودن) قائم مقام وی (ولی - وصی - قیم) به نمایندگی از طرف او اقدام به شکایت می کند و اگر فرد فاقد این نمایندگان باشد دادستان موظف است که شخص را به عنوان قیم موقت برای طرح شکایت و تعقیب شکایت تعیین یا خود راساً تعقیب کیفری را دنبال نموده و اقدامات لازم را جهت حفظ و جمع آوری دلایل و ... به عمل آورد. در خصوص غیر رشید فقط در دعاوی غیر مالی ترتیب مذکور لازم الرعایه نیست.	شرط شاکی خصوصی
۲- لزوم تحصیل اجازه از برخی مقامات: در حال حاضر تنها موردی که تعقیب متهم توسط دادستان موكول به اجازه مقامی دیگر شده تعقیب کیفری دارندگان پایه قضائی است دادستان ابتدا با ارسال شکایت به همراه گزارش دلایل آن به دادسرای انتظامی قضاط تقاضای تعلیق متهم از شغل خود را می نماید و اگر دادسرا دلایل را موجه تشخیص دهد به در خواست این دادسرا دادگاه انتظامی قضاط رای به تعلیق متهم از شغل خود داده و پرونده را جهت تعقیب کیفری به دادسرای عمومی و انقلاب اعاده می دهد.	در مورد و کلام دادگستری: در قوانین فعلی هیچ تربیت و تشریفات خاصی برای تحصیل اجازه از مقامات دیگر پیش بینی نشده است و همچون سایر شهروندان تحت تعقیب قرار می گیرند

## ۱- مصونیت سیاسی: عبارت است از مصونیت نمایندگان دیپلماتیک یک دولت در قلمرو دولت دیگر و مصونیت مامورین گنسولی در محل ماموریت خود.

مامورات دیپلماتیک : در سفارتخانه ها با وظیفه توسعه و تعمیق روابط سیاسی دولت متبع با دولت پذیرنده مستقرند و در کلیه جرایم اعم از مهم یا غیر مهم مرتبط با وظایف - غیر مرتبط با وظایف از مصونیت برخوردارند و نمی توان آنها را تحت تعقیب جزائی قرار داد و یا توقیف و بازداشت نمود این مامورین در هنگام عزیمت به محل ماموریت یا کشور متبع چنانچه از کشور ثالثی عبور کنند در محل اخیر نیز از مصونیت برخوردارند حتی در صورت وجود منازعه مسلحه میان دولت فرستنده و پذیرنده باز مصونیت برقرار است و تا زمانی که مامور در ماموریت به سر می برد ادامه دارد.

تعقیب مامورین دیپلماتیک نسبت به اعمالی که در طول ماموریت انجام دارد بعد از انقضای مدت ماموریت: الف) نسبت به آن اعمالی که وی در اجرای وظایف خود به عنوان مامور انجام داده مصونیت باقی است. ب) نسبت به سایر اعمال: امکان تعقیب کیفری او وجود دارد.

خدمه مامورین: نیز از مصونیت برخوردارند: ۱- نسبت به اعمالی که ناشی از اجرای وظایف آنها شناخته شده است. ۲- تبعه کشور پذیرفته یا مقیم دائم آن نباشد علاوه بر رئیس و کارکنان سیاسی بستگان مامور سیاسی کا اهل خانه او هستند: به شرط آنکه تبعه کشور پذیرنده نباشد از مصونیت برخوردارند.

**مامورین گنسولی:** در گنسولگریها مستقرند با وظیفه توسعه روابط فرهنگی بازرگانی اقتصادی یک دولت با دولت دیگر حمایت از منافع اتباع در خارج از کشور و انجام اموری مثل صدور شناسنامه یا ثبت سایر اسناد فعالیت می کنند و علاوه بر پایتخت در نقاطی از کشور خارجی که معمولاً تعداد بیشتر از اتباع دولت فروشند در آنجا اقامت دارند محل استقرار در آنهاست.

۱- مصونیت آنها فقط در مورد اعمالی است که در مقام انجام وظایف گنسولی انجام دهد.

۲- در جرایم مهم (جنایات بزرگ) می توان آنها را توقیف یا در انتظار محکمه بازداشت گرد.

افرادی غیر از دیپلمات و گنسولی ها که برای یک ماموریت خاص و حل و فصل مسایل معین از طرف دولت خود به کشور دیگر اعزام شده و پس از انجام ماموریت بر می گردند ماموریت نمایندگان دولت فروشند در ماموریت خاص و نیز کارمندان اداری و فنی ماموریت از مصونیت تعقیب جزائی برخوردارند (ماده ۳۱ و ۳۲ کیوانسیون) اعضای خانواده های این افراد نیز که همراه او هستند در صورتی که از اتباع دولت پذیرنده نبوده یا مقیم قلمرو آن نباشد و خدمه آن ماموران تنها نسبت به اعمال ارتکابی ناشی از وظایف خود از مصونیت قضائی برخوردارند.

هر جرمی که ماموران سیاسی و گنسولی و فرهنگی دولت ایران که از مصونیت استفاده می کنند مرتكب گردند طبق قوانین جرائم ایران مجازات می شوند م ۶ ق.م.ا

**مصطفونیت پارلمانی (نماینده مجلس):** مصونیت نماینده مجلس در مقام ایفا وظایف نمایندگی در اظهار نظر و رای خود در مجلس یا خارج از مجلس اصل ۸۶ ق.ا نظریه شورای نگهبان : اصل ۸۶ ق.ا در مقام بیان آزادی نماینده در رابطه با رای دادن و اظهار نظر در جهت ایفا وظایف نمایندگی در مجلس است و ارتکاب اعمال و عنایین مجرمانه از شمال این اصل خارج است و منافی مسئولیت مرتكب جرم نمی باشد. به نظر دکتر خالقی اصل ۸۶ در مقام اعلام مطلبی بیش از آزادی بیان نماینده است و تفسیر شورای نگهبان با منطق و فلسفه وضع آن مغایرت دارد.

**۲- اناطه:** هرگاه ضمن رسیدگی مشخص شود اتخاذ تصمیم منوط است به امری که رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه دیگری است و یا ادامه رسیدگی به آن در همان دادگاه مستلزم رعایت تشریفات دیگر آینین دادرسی می باشد قرار اناطه صادر و به طرفین ابلاغ می شود. قرار اناطه توسط باز پرس نیز می تواند صادر شود و این قرار باید با تایید دادستان بررسد و در صورت بروز اختلاف مرجع حل آن دادگاه عمومی یا انقلاب بر حسب مورد است. این قرار اگر از طرف باز پرس صادر شود ظرف ۱۰ روز قابل اعتراض از طرف شاکی خصوصی و دادستان می باشد.

موارد صدور قرار اناطه : ۱- دعاوی مربوط به حق مالکیت (در اموال غیر منقول) ۲- دعاوی راجع با اصل نکاح و طلاق (زنا- نفقة)

پس از صدور قرار انانه ذینفع مکلف است ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ قرار دادخواستی به دادگاه صالح تقديم کند و گواهی آنرا به مرعج تحقیق ارایه دهد که در این صورت تحقیقات مرعج مذکور تا صدور حکم از دادگاه و قطعیت آن متوقف می ماند و در صورت عدم اقدام ذینفع مرعج رسیدگی به رسیدگی ادامه داده و خود تصمیم متنقضی خواهد گرفت.

**۳- جنون متهم قبل از صدور حکم قطعی :** جنون در حال ارتکاب جرم به هر درجه ای که باشد رافع مسئولیت کیفری است.

الف) جنون در هنگام ارتکاب جرم: هرگاه مقام تحقیق متوجه این مورد شود تحقیقات لازم را از بستگان و مطلعین و پزشک به عمل آورده و اگر تحقیقات را کافی دید و از صحت آن اطمینان حاصل کرد اگر جرم متضمن دیه یا خسارت مالی نباشد قرار موقوفی تعصیب صادر می کند و گرنه برای صدور کیفر خواست و انتقال پرونده از دادسرا به دادگاه قرار مجرمیت صادر می کند.  
اگر باز پرس اطمینان به صحت تحقیقات ادامه می دهد و شخص مجنون با اذن ولی و یا در صورت ضرورت به مراکز مخصوص نگهداری و درمان منتقل خواهد شد

ب) جنون پس از ارتکاب جرم و قبل از صدور حکم قطعی: تا زمان افاقه تعقیب متوقف خواهد شد و داستان می تواند دستور نگهداری متهم در محلی مناسب را صادر کند تا زمان ببهودی

ج) جنون پس از صدور حکم قطعی: در قوانین ما جنون محکوم علیه موجب سقوط مجازات نیست. در مورد دیه هم چون مرتکب در زمان ارتکاب عاقل بوده از اموال خود او وصول می شود

ارائه دهنده جزو و نمونه سوالات مدارس و دانشگاهها

## موارد سقوط دعوای عمومی

**الف) فوت متهم یا محکوم علیه:** با توجه با اصل مشخص بودن مجازات‌ها مجازات به بستگان مجرم تسری پیدا نمی‌کند و فوت متهم یا محکوم علیه در مجازات‌های شخصی از موارد موقوفی تعقیب است.

مجازات‌های شخصی: مجازات‌هایی است که نسبت به تن و آزادی رفت و آمد مرتكب اعمال می‌شود و در مقابل مجازات‌های مالی قرار دارد و دیه را از مجازات‌های شخصی خارج می‌کند پس مجازات‌های اعدام، زندان، شلاق مجازات‌های شخصی اند و دیه از مجازات‌های مالی است. جزای نقدی نیز مجازات شخصی است و با فوت ساقط می‌شود در مورد دیه اجرای حکم محکومیت به دیه با مشکل مواجه نیست ولی ادامه تعقیب کیفری در دادسرا و دادگاه پس از فوت با مشکل مواجه است.

**ب) گذشت شاکی در جرایم قابل گذشت:** اصل بر غیر قابل گذشت بودن جرایم است چون همه جرایم جنبه عمومی دارند و قابل گذشت بودن نیازمند تصریح است. برای تشخیص جرایم قابل گذشت از غیر گذشت دو شیوه وجود دارد:

**(الف) روش احصای قانونی:** قانون گذاری در مواد قانون یا ماده ای جرایم قابل گذشت را که با گذشت شاکی خصوصی، تعقیب موقوف می‌گردد را احصاء می‌کند که از صراحت کافی برخوردار بوده و مانع تشتّت آرا است. **(ب) روش تعیین ضابطه:** قانونگذار بدون ذکر جرایم قابل گذشت به بیان ملاک تفکیک جرایم قابل گذشت از جرایم غیر قابل گذشت اکتفا می‌کند و تشخیص مصادیق آنرا بر عهده دادگاه می‌گذارد.

روش قانون گذار ما: با تصویب ق.م.ا (بخش تعزیرات ۱۳۷۵) قانون گذاری روش احصاء قانونی را بر گزیده، بدین ترتیب که «جرائم مندرج در موارد ... جزء با شکایت شاکی خصوصی تعقیب نمی‌شود و در صورت که شاکی خصوصی گذشت نماید دادگاه می‌تواند در مجازات مرتكب تخفیف دهد یا با رعایت موازین شرعی از تعقیب مجرم صرف نظر کند اشکال روش ذکر شده در بالا با توجه به ماده ۷۳۷ ق.م.ا: نتیجه گذشت شاکی خصوصی معلوم نیست که موقونی تعقیب باشد یا تخفیف مجازات و نتیجه آن است که دادسرا باید در صورت گذشت شاکی نیز قرار مجرمیت صادر و کیفر خواست صادر نماید تا دادگاه درباره آن حکم دهد (تخفیف یا موقوفی؟) ولی در عمل دادسراها مثل گذشته گذشت شاکی خصوصی را در جرایم قابل گذشت قرار موقوفی تعقیب صادر می‌کنند و عملاً پرونده به دادگاه ارسال نمی‌شود.

**گذشت از نظر شکلی:** ۱- گذشت می‌تواند کتبی یا شفاهی باشد و در صورت شفاهی بودن در حضور مرجع رسیدگی به پرونده بیان شده و در صورت جلسه قید و یه امضاء شاکی می‌رسد. ۲- گذشت باید بعد از وقوع جرم باشد و پیش از ارتکاب جرم رضایت نامیده می‌شود ۳- گذشت نوعی استیفاء حق است لذا گذشت کننده باید عاقل و بالغ و رشید (در جنبه مالی) و مختار باشد ۴- گذشت باید قطعی باشد منجر باشد نه مشروط و معلق. گذشت مشروط: گذشت همراه با وضع شرط فعل یا ترک فعل. گذشت معلق: اثر گذشت از ابتدای از سوی شاکی موقول به تحقیق نتیجه ای معین باشد.

**فرض تعدد شاکی:** گذشت هر شاکی نسبت به خودش موثر است و تعقیب کیفری نسبت به دیگر شکایت ادامه خواهد یافت و اگر همه آنها گذشت کنند تعقیب موقوف می‌گردد. **فرض تعداد متهم ها:** گذشت هر یک از متهم ها توسط شاکی فقط نسبت به او موثر است و دیگر متهمان مورد تعقیب قرار خواهند گرفت.

**فرض تعدد جرم و بزه دیده:** در صورت گذشت تعدادی از بزه دیده ها متهم نسبت به سایر شکایت مورد تعقیب قرار خواهند گرفت.

۵- گذشت حق بزه دیده است و با فوت به ورثه اش منتقل می‌شود و اگر مجنی علیه شکایت کرده باشد باز هم ورثه می‌توانند گذشت کرده و مانع تعقیب کیفری شوند ۶- اگر تحقیقات مقدماتی کامل شده و نشان دهد که جرم واقع نشده و یا منتبه به متهم نیست و در این زمان گذشت شاکی خصوص هر چند با پرداخت وجهی حاصل شده باشد ابزار گردد صرفنظر از گذشت شاکی خصوصی باید اقدام به صدور قرار منع تعقیب شود.

## ج) شمول عفو: ب خشیدن متهم و مجرم از جانب جامعه

۱. عفو عمومی: توسط قوه مفته اعلام و شامل حال متهمان می شود موجب سقوط تعقیب کیفری افرادی می شود و چون از جانب مرجع وضع قوانین صورت می گیرد (موجب سلب عنوان مجرمانه از عمل افراد مشمول عفو شده) و (در نتیجه به شرکا و معاونین جرائم نیز موثر واقع می شود) و (در هر مقطعی از رسیدگی مثل تحقیق و تعقیب و اجرای حکم و حتی بعد از اجرای حکم، ممکن است صورت پذیرد و موثر واقعه شود) و (مجازاتهای تبعی جرم را نیز زایل می کند) و (عموماً بعد از وقوع انقلاب و کودتا... تصویب می شود)
۲. عفو خصوصی: (از جانب عالیترین مقام یک کشور به عمل می آید) و ( فقط شامل محکومان می شود نه متهمان) و (بعد از صدور حکم قطعی صادر می شود) که پیش از پایان دوران محکومیت برای انصراف از مجازات محکومیتی که نشانه های اصلاح و ندامت در آنها دیده می شود و یا استباها قضائی که از لحاظ شکلی قبل رفع نیست. عفو خصوصی از جانب رهبر موجب موقوف شدن اجرای حکم که گاه مستلزم تعقیب و دستگیری است می شود که در این حال قرار موقوفی تعقیب صادر

**الف) حذف جازات عمل:** (مبایح تلقی کردن عمل و حذف مجازات آن و چون این قانون مساعد تر به حال متهم است در گذشته اثر دارد و سبب موقوف گردیدن دعواه عمومی می گردد ولی در اینجا فقط بحث از برداشتن مجازات عمل مجرمانه است نه تخفیف و مساعد تر کردن آن به نفع متهم) به عمل حذف مجازات عمل مجرمانه نیز نسخ می گویند که به موجب قانون به عمل می آید و بر دو نوع است:

الف) نسخ صریح : قانون جدید اراده قانونگذار مبنی بر سلب اعتبار از قانون سابق را به روشنی بیان می کند .

ب) نسخ ضمنی: تعارض دو قانون سابق و لاحق به نحوی باشد که مانع اجرای همزمان آنها گردد و به طور ضمنی حکایت از قصد قانونگذار مبنی بر حذف قانون قدیم \* اگر قانونگذار با وضع مجموعه قانون جزائی جدید و نسخ قانون سابق جرمی را که در مجموعه سابق وجود داشت در قانون جدید نیاورد آن جرم و مجازات را باید حذف شده دانست

\* اگر قانون از ابتدا برای مدت معینی به اجرا در آمد و باشد پس از انقضای این مدت دیگر عمل مزبور جرم تلقی نمی گردد مگر اینکه قانون تمدید گردد.

**ب) اعتبار امر مختوم:** از لحاظ فردی، لزوم تامین امنیت قضائی شهر وندان (دوباره محکمه نشدن مجرم و تبرئه شده) و از لحاظ قضائی، صحت انگاری احکام صادره و از لحاظ اجتماعی لزوم پایان بخشیدن به دعوی و اختلاف ، ایجاب می کند که رسیدگی های قضائی سرانجام در یک نقطه خاتمه یابد و رای صادره محترم و مجری تلقی شود که قانون اعتبار امر مختوم را به وجود آورده است لذا ماده ۱۸ ق.ت.د.ع.ا.بیان می دارد که «آراء قطعی دادگاه های عمومی و انقلاب و نظامی و دیوان عالی کشور جز از طریق اعاده دادرسی و اعتراض ثالث به نحوی که در قانون مربوطه مقرر گردیده قابل رسیدگی مجدد نیست....»

**قرار ها:** قرار های موقوفی تعقیب اصولاً اعتبار امر مختوم دارند و با قطعیت یافتن آنها امکان رسیدگی مجدد به اتهام وجود ندارد. و در مورد قرار های منع تعقیب فقط اگر قرار به علت عدم کفاایت دلایل ارتکابی عمل توسط متهم صادر شده باشد این قرار از اعتبار امر مختوم برخوردار نبوده و فقط برای یکباره در خواست دادستان و تجویز دادگاه تعقیب مجدد ممکن است. امر مختوم نیازی به ایراد از سوی متهم ندارد و محدود به زمان معینی هم نیست. در اعتبار امر مختوم شرط اولیه موقوفی تعقیب قطعیت تصمیم قضائی سابق است و اگر قطعیت نیافته و دوباره موجبات تعقیب فراهم شود قرار موقوفی صادر نمی شود ولی دادگاه (دادسرا) با صدور قرار امتناع از رسیدگی پرونده را به مرجعی که در رسیدگی است ارسال می کند.

شرایط سه گانه اعتبار امر مختوم: الف) وحدت اصحاب ب) وحدت سبب دعوى (مبنی یا هدف رسیدگی) ج) وحدت موضوع: یکی بودن مادیت عمل رسیدگی شده

ج) مرور زمان در مجازات های باز دارنده : یعنی مضى مدت زمانیکه پس از آن اعلام شکایت یا اقدام تعقیبی یا اجرای مجازات امکان پذیر نیست.  
مرور زمان بر دو نوع است: الف) مرور زمان تعقیب      ب) مرور زمان مجازات که در مرور زمان تعقیب پس از گذشت مدتی از قوع جرم امکان تعقیب و محکمه متهمن وجود ندارد و مرور زمان مجازات پس از گذشت مدتی از قطعی شدن حکم محکومیت دیگر امکان اجرای آن وجود ندارد.  
دلایل موافقان مرور زمان: (الیف) به فراموشی سپرده شدن لطمہ ناشی از جرم و از دست دادن هیجان و التهاب ناشی از وقوع جرم در جامعه.  
ب) دشواری یا امکان یا امکان نداشتن تحصیل دلیل به خاطر فراموش و فوت شهود و از بین رفتن ادله با گذشت زمان  
ج) از دست رفتن اثر باز دارندگی مجازات به علت فاصله گرفتن مجازات از جرم نسبت به جامعه و مجرم  
دلیل مخالفات مرور زمان: عدم تعقیب و مجازات مجرم پس از گذشت زمانی معین سبب تشویق مجرم به فرار از پنجه عدالت و جری شدن جرم می شود و کوتاهی در  
محکمه دلیل بر انصراف همیشگی جامعه از حق خود نیست. در کل دلیل موافقان قابل دفاع به نظر رسیده و قانون گذار آن را قبول کرده است  
مرور زمان اختصاص به جرائمی دارد که برای آنها مجازات بازدارنده یا اقدامات تامینی و تربیتی پیش بینی شده دارد و شامل جرائمی که مسلزم مجازات حد، قصاص،  
دیه، تعزیر باشد نمی گردد.

مواعد مرور زمان :

- الف) ۱۰ ساله : در مجازاتهای بیش از ۳ سال حبس - در مجازات های بیش از ۱ میلیون ریال جرای نقدی

ب) ۵ ساله : در مجازات هایی ۳ سال حبس و کمتر از آن - در مجازات های ۱ میلیون ریال جزای نقدی و کمتر از آن

ج) ۳ ساله : در مجازات های غیر از حبس و جزای نقدی مثل شلاق، منع اقامت، اقامت اجباری

در صورتی که دو یا سه مجازات حبس، شلاق و جزای نقدی به صورت انتخابی یا تجمیعی پیش بینی شده باشد مدت حبس ملاک خواهد بود

جرائم ممکن است بدون اطلاع کسی که حق شکایت کیفری دارد واقع شده و مشمول مرور زمان گردد.

أنواع مرور زمان: **الف)** شکایت : از تاریخ وقوع جرم **ب)** تعقیب : اگر اقدامات قضایی در جریان باشد مدت مرور زمان سپری نمی شود ولی اگر اقدامات قضایی به هر علت متوقف شود و اقداماتی صورت نگیرد از تاریخ آخرین اقدام قضائی مرجع صلاحیت دار مرور زمان به جریان می افتد.

ج) مجازات : اگر کلأاً اجرا نشده باشد مرور زمان از تاریخ قطعیت حکم به جریان می افتد ولی اگر اجرای مجازات شروع و بعد از مدتی در اثر اقدام محکوم عليه اجرای مجازات قطع شود (مثل فرار از زندان) مرور زمان از تاریخ قطع اجرای ماجزات سپری می شود.

احکام دادگاه های خارج از کشور نسبت به اتباع ایرانی در حدود مقررات و موافقنامه های قانونی مشمول مقررات این ماده می باشد.

مرور زمان دادرسی: قانون گذار از مرجع رسیدگی می خواهد که لزوماً ظرف مهلت معینی رسیدگی را خاتمه دهد و حکم را صادر کند و گرنه تعقیب به علت مرور زمان موقوف می شود.

آیین دادرسی کیفری (دکتر خالقی)

<p>کلیه اقدامات به منظور کشف جرم، تعقیب ، دستگیری ، جلو گیری از فرار ، حفظ آثار و ادله جرم و اظهار نظر در مورد دلایل توجه اتهام به او توسط مرجع قضائی است</p> <p>اظهار نظر درباره دلایل اتهام و آماده کردن پرونده برای مرحله دادرسی.</p> <p>سرعت در انجام تحقیقات یک اصل بر تحقیقات شناخته می شود بدون اینکه دقت مقام تحقیق و رعایت حقوق متهم در برابر آن فدا گردد.</p> <p>اصل تفکیک مقام تعقیب از مقام تحقیق: مبنای این اصل لزوم بی طرفی قاضی تحقیق است و بیان می دارد که تعقیب متهم بر عهده مقامی به نام دادستان و تحقیق و اظهار نظر درباره دلایل اتهام متهم بر عهده مقامی به نام باز پرسی قرار دارد.</p>	<p><b>هدف</b></p> <p><b>اصل سرعت</b></p>
<p>آیین دادرسی کیفری ایران از نظام دادرسی <u>مختلط</u> الهام گرفته که مرحله تحقیقات مقدماتی تابع نظام تفتیشی و مرحله دادرسی تابع نظام اتهام است.</p> <p>پس ویژگی های مرحله تحقیقاتی بدین قرار است:</p> <p><u>الف) کتبی بودن</u> : تقاضای تعقیب کیفری و هر گونه اقدامی که پس از آن صورت می گیرد به صورت مکتوب بوده و در پرونده ای مشخص تمام این اقدامات و اظهارات شاکی و متهم مضبوط می گردد مثلا تمامی اظهارات متهم بدون تحریف نوشته شده و به امضای او میرسد و حتی متهم می تواند پاسخ ها را خود شخصاً بنویسد.</p> <p><u>ب) غیر علنی بودن</u> : یعنی غیر از افرادی مانند متهم، شاکی و وکلای آنها یا کارشناس و شاهد و مطلع که حضور شان لازم است دیگران حق حضور در جلسات تحقیقات مقدماتی را ندارند.</p> <p>علت غیر علنی بودن: رهانیدن مرجع تحقیق از فشار افکار عمومی و هیجان ناشی از ارتکاب جرم در جامعه ، حفظ استقلال مرجع تحقیق ، مصون نگه داشتن متهم از انگ شهرت به اتهامی که هنوز دلایل آن مورد بررسی است.</p> <p><u>ج) محترمانه بودن</u> : ( سری بودن ) در حال حاضر منظور از محترمانه بودن تحقیقات مقدماتی ، ممنوع بودن انتشار اطلاعات آن است و در این معنا محترمانه بودن توسط مرجع تحقیق نیز باید رعایت شود. تحقیقات مقدماتی همیشه محترمانه است ولی گاهی اوقات <u>شاکی</u> می تواند از صورت جلسه تحقیقات مقدماتی در صورتی که منافی با محترمانه بودن تحقیقات نداشته باشد با پرداخت هزینه رو نوشت بگیرد. متاسفانه وجود ابهام در قانون سبب شده که دادسراهای برداشت نادرستی از محترمانه بودن کرده و متهم و وکیل او را از برخی حقوق دفاعی خود یا لوازم آن محروم سازند.</p> <p><u>د) غیر ترافعی بودن</u> : عدم تساوی جایگاه متهم و شاکی - آگاه نبودن متهم از دلایل اتهام و عدم امکان مورد مناقشه قرار دادن آنها توسط متهم امروزه این ویژگی تا حد زیادی تعدیل شده است و سخن از برابری سلاح ها به میان می آید که به موجب آن در فرایند کیفری طرفین باید از امکانات و شرایط مساوی برای اثبات ادعای خود برخوردار باشند.</p>	<p>۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱</p>
<p>متهم می تواند <u>یک</u> نفر و <u>کیل</u> (رسمی دادگستری) همراه خود داشته باشد. وکیل متهم می تواند بدون مداخله در امر تحقیق پس از خاتمه تحقیقات (همان جلسه حضور) مطالبی را که برای کشف حقیقت لازم بداند یا برای دفاع از متهم یا اجرای قوانین لازم بداند به قاضی اعلام نماید. اظهارات او در صورت جلسه منعکس می شود.</p> <p>مواردی که حضور وکیل نیازمند اجازه مرجع رسیدگیاست : <u>الف)</u> موضوع جنبه محترمانه داشته باشد. <u>ب)</u> حضور غیر متهم به تشخیص قاضی موجب فساد گردد</p> <p><u>ج)</u> موضوع اتهام یکی از جرایم علیه امنیت کشور باشد. ( محترمانه - فساد - امنیت )</p>	<p><b>وکیل در</b></p> <p><b>تحقیقات</b></p> <p><b>مقدماتی</b></p>

## مرجع تحقیق و شروع به رسیدگی

		مرجع تحقیق
موقعیت باز پرس	باز پرس صلاحیت انجام تحقیقات مقدماتی در « <u>کلیه جرایم</u> » را دارد ولی دادستان و دادیار صلاحیت تحقیق در برخی جرایم را دارند.	از دیر باز در قوانین ایران با الهام از قوانین فرانسه مرجعی که تحقیق در مورد جرم را در دادسرا بر عهده داشته و قاضی تحقیق محسوب می شود <u>باز پرس</u> بوده است.
موقعیت دادیار	اگر جرم از جرائمی باشد که در صورت کفایت دلایل توجه اتهام به متهم رسیدگی آن در صلاحیت دادگاه <u>کیفری استان</u> قرار داشته باشد تحقیقات مقدماتی آن در دادسرا منحصرآ بر عهده <u>باز پرس</u> است و در غیر این موارد تحقیق توسط دادستان و دادیار هم می تواند صورت گیرد.	کلیه قرار های دادیار بدون استثناء باید به تایید دادستان برسد و دادیار حتی در اظهار نظر قضایی خود مستقل نبوده و تابع نظر دادستان است.
تعییت باز پرس از دادستان	مواردی که باز پرس <u>باید</u> از دادستان تعییت کند: (الف) اگر دادستان تحقیقات باز پرس را ناقص بینید می تواند تکمیل آنرا بخواهد و لو بازپرس تحقیقات خود را کامل بینند (ب) در موارد جرائمی که در صلاحیت دادگاه <u>کیفری استان</u> نیست دادستان می تواند بعضی از تحقیقات و اقدامات را از باز پرس درخواست کند بدون اینکه رسیدگی آن را به طور کلی به باز پرس ارجاع دهد. (ج) اگر باز پرس راساً قرار باز داشت صادر نماید باید دادستان آنرا تایید کند و گرنه نظر دادستان متبوع است	باز پرس ضابط دادگستری محسوب نمی شود بلکه یک قاضی تحقیقی است و از استقلال نسبی برخوردار است.
اختلاف	مواردی که بین باز پرس و دادستان بروز اختلاف متصور است: ۱. اگر باز پرس قرار <u>نهایی</u> صادر کند و دادستان با آن مخالفت باشد ۲. اگر دادستان تقاضای صدور قرار باز داشت را از باز پرس و باز پرس با آن مخالف باشد ۳. صدور برخی قرار های که باید به تایید دادستان برسی و او مخالف نماید.	رفع اختلاف حسب مورد در دادگاه های <u>عمومی</u> و انقلاب محل به عمل می آید و موافق تصمیم دادگاه عمل می شود.
شروع به تحقیق	پرونده هایی که <u>مستقیماً</u> در دادگاه تحقیق و رسیدگی می شوند و دادستان و ضابطین حق تحقیق ندارند:	الف) جرایمی که مشمول حد زنا و لواط است. ب) جرایمی که مجازات قانونی آنها فقط تا سه ماه حبس و یا جزای نقدی تا یک میلیون ریال می باشد. (ج) جرایم اطفال.
نحوه شروع به تحقیقات	در هر حال هم چون سایر جرائم هر شکایتی یا هر گزارش ضابطین دادگستری باید به <u>دادسرا</u> تقدیم شود و دادسرا بدون تحقیق و صدور کیفر خواست به دادگاه صالح ارسال می نماید. ولی اگر در پرونده اتهام دیگری غیر از موارد مذکور نیز مطرح باشد باید نسبت به آنها تحقیقات مقدماتی صورت پذیرد.	منظور از جهات قانونی شروع به تحقیقات مواردی است که در آن مرجع تحقیق مجاز به دخالت و انجام اقدامات تحقیقی و اظهار نظر قضائی است. جهات قانون شروع به تحقیقات باز پرس: الف) ارجاع دادستان
جهات قانونی شروع به تحقیقات	ب) شکایت یا اعلام جرم به باز پرس در موقع که به دادستان دسترسی نیست و رسیدگی به آن <u>فوریت</u> دارد. ج) در جرایم مشهود در صورتی که باز پرس شخصا ناظر وقوع آن باشد (باز پرس باید حین انجام وظیفه ناظر وقوع باشد نه در تعطیلی و مرخصی)	۱- شروع به تحقیقات دادیار نیز در جرایمی که صلاحیت رسیدگی به آن را دارد همین موارد است. ۲- در صورت حضور معاون دادستان یا قائم مقام او ماموریت ارجاع پرونده ها را نیز دارند ۳- عدم دسترسی به دادستان و فوریت رسیدگی مجوزی برای شروع به تحقیقات توسط باز پرسی محسوب نمی شود.

## آیین دادرسی کیفری (دکتر خالقی) صلاحیت محلی برای تحقیقات - اقدامات تحقیقی

<p><b>صلاحیت محلی</b></p> <p>دادگاه صالح برای رسیدگی و محاکمه : دادگاه محل وقوع جرم.</p> <p>دادسرای صالح برای انجام تحقیقات مقدماتی: الف) دادسرای محل وقوع جرم. ب) محل کشف جرم ج) محل دستگیری متهم د) محل اقامت متهم.</p> <p>دادسرای محلی که جرم در آنجا واقع نشده است فقط «تحقیقات مقتضی» یعنی تحقیقات ضروری اولیه برای حفظ آثار و ادله جرم و جلوگیری از افراد متهم را انجام می دهد و کلیه تحقیقات مقدماتی را و سپس پرونده را برای تکمیل تحقیقات و صدور قرار نهایی به دادسرای محل وقوع جرم ارسال می دارد. دادسرا پس از به عمل آوردن تحقیقات مقتضی پرونده را همراه با متهم (در صورت دستگیری) نزد دادگاه صالح ارسال می دارد.</p> <p>درمورد دادگاه بخش در موارد جرایم دو حالت فرض شده است:</p> <p>الف: جرم و رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه عمومی است: رئیس آن دادگاه خود وظایف دادسرا دادگاه را انجام داده و اقدام به صدور حکم نماید. در این مورد نیازی به صدور کیفر خواست نیست.</p> <p>ب) رسیدگی به جرم در صلاحیت دادگاه کیفری استان است: رئیس دادگاه بخش جانشین باز پرس محسوب شده و پس از انجام تحقیقات مقدماتی و صدور قرار نهایی پرونده را جهت صدور کیفر خواست نزد دادستان شهرستان حوزه قضایی ارسال می دارد.</p>	<p><b>تحقیقات در حوزه قضائی بخش</b></p> <p>۱- نخستین اقدام تحقیق از شاکی و شنیدن توضیحات و اظهارات وی برای آگاهی از عمل مجرمانه ای است که به متهم نسبت داده می شود.</p> <p>۲- چنانچه شاکی هنگام ارجاع پرونده حضور نداشته باشد احضار خواهد شد ، ولی جلب شاکی ممکن نمی باشد و اگر جرم از جرائم قابل گذشت باشد صرف عدم حضور شاکی پس از احضار دلیل بر گذشت تلقی نشده و شکایت او قابل رسیدگی است.</p>	<p><b>تحقیق از شاکی</b></p> <p>شرط استماع شهادت شاهد حضور او و شرط حضور وی نیز ارسال احضاریه است. مگر اینکه شاهد بیمار بوده و نتواند حاضر شود که در این صورت قاضی تحقیق به محل اقامت وی رفته از او تحقیق می کند.</p> <p>شرط جلب شاهد: اگر با وجود ابلاغ احضاریه شاهد بدون عذر موجه حاضر نشده مجدد احضار می گردد و در صورتی که با وجود ابلاغ احضار دوم دوباره بدون عذر موجهی حاضر نشد به خاطر بی توجهی به دستور مقام قضایی جلب خواهد شد ولی در صورت حضور و جلب باز ادای شهادت الزام نیست و می تواند از ادای شهادت خودداری متهمن : یعنی فردی که در پناه اصل برائت قرار دارد و حقوق او در برابر مقام تعقیب و مقام تحقیق باید از تعریض مصون بماند.</p>	<p><b>تحقیق از شاهد</b></p> <p>۱- نخستین اقدامی که نسبت به متهم صورت می پذیرد احضار نمودن وی برای تحقیق از اوست . صرف شکایت کافی برای احضار نیست بلکه عمل مجرمانه ای که به شخص نسبت داده می شود باید مستند به قرائتی باشد که دست کم احتمال ارتکاب آن از جانب وی داده شود.</p> <p>۲- در جرائمی که مصلحت اقتضا کند علت احضار و نتیجه عدم حضور ذکر نخواهد شد. منظور از علت احضار : دلیل کلی فرا خواندن شخص است نه جهات جزئی آن متهمن را نمی توان به عنوان دیگری مثلا شاهد احضار نمود. ۴- ترتیبات ابلاغ احضار نامه طبق مقررات قانون آ.د.م است.</p> <p>۵- اگر محل اقامت متهم معلوم نباشد یا به هر علتی ابلاغ میسر نشود با تعیین وقت رسیدگی متهم یک نوبت به وسیله روزنامه کیشرا انتشار یا محلی، احضار می شود.</p> <p>تاریخ نشر آگهی تا روز دادرسی نباید کمتر از یک ماه باشد در صورت عدم حضور متهم قاضی رسیدگی و بالحظ موارد ۲۱۷ - ۲۱۸ این قانون اظهار عقیده می نماید.</p> <p>۶- انتشار تصویر در روزنامه برای شناسایی مجاز نیست زیرا اصل بر برائت متهم بوده و حق دارد در پناه قانون از امنیت لازم بر خوردار باشد.</p>
---	--	--	--

## جلب متهم - باز جویی از متهم

	<b>جلب متهم</b> <b>بدون احضار</b> <b>عذر موجه</b> <b>شرط</b> <b>دست بند زدن</b> <b>ورود به محل اقامت</b> <b>برگ جلب سیار</b> <b>بازداشت</b> <b>متهم</b>
--	---

## آیین دادرسی کیفری (دکتر خالقی)

## باز جویی از متهم

<p>در جریان باز جویی و تحقیق باید از ایدای افراد نظیر بستن چشم و سایر اعضاء ، تحقیر و استخفاف به آنان اجتناب کرد و باز جویان و ماموران تحقیق از پوشاندن صورت و یا نشستن پست سر متهم یا بردن آنان به اماکن نامعلوم و کلا اقدام های خلاف قانون خودداری ورزند.</p> <p>سوالات : باید مفید و روشن باشد . سوالات تلقینی یا اغفال یا اکراه و اجرار متهم ممنوع است. با وجود اهمیت باز جویی ، متهم مجبور به پاسخگویی نخواهد شد و در صورت امتناع از پاسخ دادن امتناع او در صورت مجلس قید می شود.</p> <p>یاد آوری حق سکوت متهم به او تکلیف باز پرس یا مقام تحقیق نیست.</p> <p>بر پایه اصل برائت پس از شنیدن اظهارات شاکی و شاهد توسط مرجع تحقیق و جمع آوری دلایل ، همیشه آخرین کسی که مطلبی را می گوید باید متهم باشد تا در جهت تثبیت اصل برائت هر دفاعی را که به نظرش می رسد اظهار دارد.</p>	
<p>در مواردی که برای دستگیری متهم یا کشف آلات و وسایل یا دلایل ارتکاب جرم ظن قوی وجود داشته باشد که می توان آنها را در محل معینی یافت مرجع تحقیق می تواند دستور تفتیش یا بازرسی آن محل را به و این محل لزوماً محل ارتکاب جرم نیست و ممکن است فقط محل مخفی شدن یا مخفی کردن دلایل ارتکاب جرم باشد</p> <p>مرجع تحقیق می تواند شخصاً یا توسط ضابطین به این کار مبادرت ورزد.</p> <p>دستور بازرسی یا تفتیش مجاز ورود به منزل یا سایر اماکن خصوصی محسوب نمی شود و در صورتی که محل مورد نظر یک مکان خصوصی باشد لازم است که مرجع تحقیق علاوه بر دستور تفتیش اجزاء ورود ماموران به محل مورد بازرسی را هم بدهد.</p> <p>تفقیش اصولاً در روز انجام می شود ولی در موارد ضرورت برای حفظ آثار و دلایل و جلو گیری از فرار متهم ممکن است در شب انجام گیرد که در این صورت دلیل ضرورت باید در صور تمجلس قید شود. حریم خصوصی افراد باید در جریان تحقیقات مقدمات حفظ گردد و نقض و محدود کردن آنها بر مبنای ضرورت تحقیق و در حدود مقرر در قانون صورت گیرد.</p>	
<p>معاینه محل: ملاحظه صحنه جرم و آثار به جا مانده از آن در محل ارتکاب است برای تشخیص چگونگی ارتکاب جرم ، امکان دخالت چند نفر در آن یا اقدام انفرادی یک نفر ، مقاومت و عدم مقاومت مجذی عليه و ...</p> <p>عدم حضور اشخاص که در امر جزایی شرکت دارند مانع انجام تحقیقات ( معاینه ) نخواهد بود ولی می توانند حضور یابند.</p> <p>هنگام تحقیق و معاینه محل ، تمامی آثار و علائم مشهود و مشکوفه که به نحوی در قضیه موثر است در صورت مجلس قید می شود</p> <p>تحقیقات محلی: حضور در محل وقوع جرم یا محل اقامت متهم یا اقامت شاکی و جمع آوری اطلاعات از اهالی محل است.</p> <p>تحقیقات محلی و معاینه محل شخصاً توسط مرجع تحقیق و یا با ارجاع وی به ضابطین توسط آنان صورت می گیرد.</p>	
<p>از اهل خبره هنگامی دعوت به عمل می آید کا اظهار نظر آنان از جهت علمی یا فنی و یا معلومات مخصوص لازم باشد، از قبیل پزشک، داروساز ، مهندس ، ارزیاب و ...</p> <p>جلب کارشناسی : چنانچه در جرائم محل امنیت و یا خلاف نظام عمومی اهل خبره بدون عذر موجه حضور نیافته و من به الکفایه نباشد به حکم قاضی جلب خواهد شد.</p> <p>در مورد نحوه انتخاب کارشناسی توسط مرجع تحقیق و چگونگی اعلام نظر وی باید به موارد ۹۵-۸۳ آ.د.ک و نیز موارد مرتبط در ق. آدم و قانون کارشناسی مراجعه کرد</p>	

## نیابت - قرار های مرحله تحقیقاتی

<p>مرجع تحقیق در جریان تحقیقات نسبت به جرمی که در حوزه صلاحیت اوست ، نمی تواند اقداماتی را در خارج از حوزه قضائی خود انجام داده یا دستور انجام آن را به ضایلین دهد در این حال اگر انجام اقداماتی خاص مانند شنیدن اظهارات شاهد ، انجام تحقیقات محلی، توقيف ملک و جلب متهم و ... در خارج از حوزه قضائی مرجع رسیدگی به پرونده لازم باشد باید از طریق این مرجع به مرجع قضائی صالح در محل انجام آن اقدام نیابت دهد تا اقدام های مورد نظر توسط آن مقام انجام گیرد.</p> <p>مواردی که نیابت پذیر نیستند و باید توسط خود قاضی صادر کننده رای انجام گیرد : مواردی که اقرار متهم، شهادت، شهادت بر شهادت شاهد، مستند رای دادگاه باشد استماع باید توسط خود قاضی صورت گیرد.</p> <p><u>اخذ تامین توسط مرجع نایب :</u> الف) مرجع درخواست دهنده نوع اخذ تامین را معین کرده باشد ← مرجع نائب طبق همان عمل می نماید.</p> <p>ب) توسط مرجع نیابت دهنده درخواست اخذ تامین نشده باشد ← لزوم اخذ - تغییر تامین در خواست شده به مرجع نایب واگذار گردیده</p> <p>ج) تامین اخذ شده را مجری نیابت مناسب تشخیص ندهد یا تامین گرفته نشده باشد ← مرجع نائب به تشخیص خود اخذ تامین مناسب می کند.</p> <p>اظهار نظر در مورد مجرمیت یا منع تعقیب و ... ← در صلاحیت مجری نیابت <u>نبوده</u> و در صلاحیت مرجع معطی نیابت است و قابل تفویض نمی باشد.</p>	<p>نیابت قضائی</p> <p>نیابت ناپذیری</p> <p>أخذ تامین  مجرمیت یا منع تعقیب</p> <p>قرار اعدادی</p> <p>قرار های نهایی</p> <p>قرار های تمهیدی</p> <p>صادر کننده قرار</p> <p>قابلیت اعتراض آن</p>
<p>عبارت است از تصمیم مرجع قضائی برای تکمیل تحقیقات یا اظهار نظر در مورد قابلیت یا عدم قابلیت محاکمه متهم در دادگاه</p> <p><u>قرار های اعدادی (تمهیدی یا مقدماتی) :</u> قرار هایی که پرونده را معد یا مهیا برای اظهار نظر در مورد دلایل یا قابلیت محاکمه متهم می سازد مثل قرار ارجاع امر به کارشناسی و ...</p> <p><u>قرار های نهایی :</u> قرار هایی که محتوی آن اظهار نظر در مورد اتهام متهم و دلایل آن و لزوم یا عدم لزوم ارسال پرونده به دادگاه جهت محاکمه متهم است. مثل قرار مجرمیت و ...</p>	
<p><u>الف) قرار تامین خواسته :</u> برای جلو گیری از اقدام متهم به انتقال اموال خود و تضییع حق زیان دیده از جرم برای شاکی این امکان داده شده است که از مرجع تقاضای صدور قرار تامین خواسته نماید.</p> <p>مرجع تحقیق در صورت <u>تقاضای شاکی</u> و مبتنی آن بر دلایل <u>قابل قبول</u> حاکی از ارتکاب عمل توسط متهم ، ورود ضرر به شاکی، انتساب ضرر به عمل متهم مکلف به صدور قرار تامین خواسته است. در موردی که جرم مستوجب <u>دیه</u> باشد و یا ارش مرجع قضائی به تقاضای شاکی اقدام به صدور این قرار می کند صدور قرار تامین خواسته در امور کیفری منوط به تودیع خسارت احتمالی به شرح مقرر در ق. آ. د. م <u>نمی باشد</u>.</p>	
<p><u>الف) دادگاه:</u> اگر پرونده در دادگاه مطرح باشد و شاکی در خواست صدور قرار تامین نموده و دادگاه این قرار را صادر نماید ← قابل اعتراض <u>نبوده</u> و قطعی است.</p> <p><u>ب) دادیار:</u> باید به تأیید دادستان برسد و نظر او متبع است. در صورت قابل اعتراض از طرف <u>متهم</u> ظرف <u>۱۰ روز</u> در دادگاه عمومی یا انقلاب</p> <p><u>ج) باز پرس:</u> باید به تأیید دادستان برسد و در صورت اختلاف مرجع حل اختلاف دادگاه عمومی و انقلاب است و این قرار ظرف <u>۱۰ روز</u> قابل اعتراض در دادگاه عمومی یا انقلاب است.</p> <p>اعتراض به قرار ها باعث توقف جریان تحقیق و مانع اجرای قرار <u>نبوده</u> و کلیه اقدامات باز پرسی تا اخذ تصمیم دادگاه به فوت خود باقی خواهد بود.</p>	

## آیین دادرسی کیفری (دکتر خالقی) قرار تامین کیفری

<b>اصل تناسب</b>	<p>یک نوع قرار محدود کننده آزادی متهم بوده و وسیله ای برای تضمین حضور متهم در مراحل مختلف تحقیقات مقدماتی ، محاکمه ، اجرای حکم است.</p> <p>تامین باید با اهمیت جرم و شدت مجازات و دلایل و اسباب اتهام و احتمال فرار متهم و از بین رفتن آثار جرم و سابقه متهم و وضعیت مزاج و سن و حیثیت او مناسب</p> <p>انواع قرار تامین کیفری از اخف تا شدید ترین به ترتیب: الف) التزام به حضور با قول شرف      ب) التزام به حضور با تعیین وجه الالتزام تا ختم و اجرای حکم و در صورت استکاف تبدیل به وجه الکفاله.      ج) اخذ کیفل با وجه الکفاله      د) اخذ وثیقه (وجه نقد - ضمانت نامه بانکی - مال منترل - مال غیر منقول )      ه) باز داشت موقت</p> <p>مبلغ وثیقه یا وجه الکفاله یا وجه التزام نباید در هر حال کمتر از خسارتهایی باشد که مدعی خصوصی در خواست می کند</p>
<b>انواع قرار تامین</b>	<p>قرار تامینی که در جرایم مربوط به <u>چک بلا محل</u> اخذ می شود: فقط کفالت یا وثیقه</p> <p>ضابطین دادگستری: حق اخذ تامین از متهم را ندارند. تکلیف صدور قرار تامین کیفری: ناظر به فرضی است که حضور بعدی متهم و دسترسی به او برای ادامه باز جویی لازم باشد صدور قرار تامین کیفری ، فرع بر حضور متهم و تفهم اتهام به اوست ( بجز قرار تامین عدم خروج از کشور ) و در مورد متهمی که متواری است یا کسی که هنوز جلب یا احضار نشده نمی تواند قرار تامین صادر نمود.</p> <p>پس از صدور هر نوع تامین باید به متهم ابلاغ شود و در صورتی که دادیار آن را صادر نماید لازم است به تایید دادستان برسد.</p>
<b>قرار التزام با حضور با قول شرف</b>	<p>خفیفت ترین و کم استفاده ترین قرارها. متهم تعهد می نماید که در زمان و مکان مقرر در احضار نامه حضور یابد و شرف خود را ضامن اجرای این تعهد اعلام می نماید.</p> <p>ضمانت اجرای تخلف: فقط تشدید تامین و تبدیل آن به قرار التزام به حضور با تعیین وجه الالتزام.</p> <p>عدم قبول التزام به حضور از سوی متهم: تبدیل به قرار التزام به حضور با تعیین وجه الالتزام.</p>
<b>قرار التزام به حضور با تعیین وجه الالتزام</b>	<p>تعهد به حضور در زمان و مکان معین شده در احضار نامه با ضمانت اجرای مالی.</p> <p>نقض عهد و عدم حضور متهم: اقدام دادستان برای اخذ مبلغ وجه الالتزام به نفع صندوق دولت.</p> <p>عدم قبول التزام با تعیین وجه الالتزام از سوی متهم: تبدیل به قرار کفالت</p> <p>از این قرار نباید در جرائمی که دارای <u>مجازات شدیدی</u> است استفاده نموده زیرا احتمال عدم حضور متهم زیاد خواهد بود.</p>
<b>قرار کفالت</b>	<p>تعهد به حضور توسط متهم همراه با معرفی شخصی به عنوان کیفل که در صورت عدم حضور متهم او را حاضر کند و در غیر اینصورت مبلغی به صندوق دولت پردازند</p> <p>قرار کفالت مشتمل بر دو قرار جداگانه است: ۱- قرار اخذ کیفل      ۲- قرار قبولی کفیل</p> <p>کفیل علامه بر تعهد به حاضر نمودن متهم متعهد می شود که چنانچه ظرف <u>بیست</u> روز از تاریخ ابلاغ موفق به این کار نشود مبلغی را به صندوق دولت پردازد (وجه الکفاله) لذا کفیل علاوه بر شرایط لازم به قبول (عقل - بلوغ- رشد) باید دارای امکانات و توانایی مالی برای انجام چنین تعهدی باشد</p> <p>عدم معرفی کفیل متهم ← اعزام به باز داشتگاه (با قرار باز داشت فرق دارد و شرایط صدور و برخی تضمینات آن را ندارد)</p> <p>مبلغ وجه الکفاله: مرجع قضایی با توجه به دلایل کافی باید مبلغ مناسب با <u>مبلغ واقعی</u> خسارت (نه خسارت مطالبه شده توسط شاکی) به علاوه اگر در صورت ثبوت جزای نقدی داشته باشد در نظر گرفته و تعیین کند.</p> <p>تضایی متهم به دادن وجه نقد ، مال منقول یا غیرمنقول ← بازپرس مکلف به قبول آن است</p>

## آیین دادرسی کیفری (دکتر خالقی) قرار تامین کیفری

قرار و ثیقه

به موجب آن صادر کننده قرار از متهم می خواهد که متعدد شود که هر گاه به مرجع قضایی حاضر شد حاضر گردد و برای تضمین انجام این تعهد وثیقه ای به مبلغ معین بپردازد لزومی ندارد وثیقه گذار خود متهم باشد بلکه شخص ثالث نیز می تواند اقدام به وثیقه گذاری نماید.

اخذ وثیقه اعم است از: وجه نقد- ضمانت نامه بانکی - مال منقول - مال غیر منقول- بیمه نامه شخص ثالث در جرائم قتل و صدمات بدنی غیر عمدی ناشی از رانندگی قرار وثیقه نیز مثل قرار کفالت از دو قرار جدایانه قرار اخذ وثیقه و قرار قبولی وثیقه تشکیل شده است.

صدور قرار وثیقه باید در مواردی صورت گیرد که قرار کفالت برای تضمین حضور کافی نباشد و به دلیل اهمیت جرم یا اوضاع و احوال دیگر قرار وثیقه مناسبتر باشد. تعیین مبلغ وثیقه: همان ضابطه تعیین وجه الکفاله را دارد.

کفیل یا وثیقه گذار در هر مرحله از دادرسی با معرفی و تحويل متهم می توانند درخواست رفع مسئولیت و یا آزادی وثیقه خود را نمایند در این صورت متهم باید کفیل دیگری یا وثیقه جدیدی او دیه نماید در غیر این صورت باز داشت خواهد شد. (قبولی یا عدم قبولی تقاضای رفع مسئولیت یا آزادی وثیقه با مرجع قضایی ایست).

الف) خود متهم وثیقه نهاده:

فرض اول (حضور به موقع متهم در موقع احضار)

۱- متهم تبرئه شده یا قرار منع یا موقوفی تعقیب صادر یا پرونده مختومه شود ← قرار تامین صادر شده ملغی الاثر می گردد (بدون هر اقدام قضائی)

۲- متهم مجرم تشخیص داده شده و محکوم گردد ← اگر محکوم به جزای نقدی یا ضرر و زیان مدعی خصوصی گردد و آن کمتر از تامین گرفته شده باشد تا میزان محکومیت از وثیقه یا وجه الکفاله یا وجه الالتزام پرداخت شده و مابقی به متهم رد می شود - اگر محکوم به ضرر و یا جرای نقدی نگردد به محض شروع اجرای حکم یا قطعی تعليق مجازات قرار تامین ملغی الاثر می شود.

فرض دوم (عدم حضور متهم در موقع احضار) : اگر محکوم شده باشد ، محکوم به یا ضرر و زیان مدعی خصوصی از تامین گرفته شده پرداخت و مابقی به نفع دولت ضبط اگر محکوم نشده باشد همه تامین گرفته شده با دستور دادستان به نفع دولت ضبط می شود

ب) کفیل یا وثیقه گذار ثالث باشد.

فرض اول: حضور متهم در موقع احضار: ۱- محکومیت به جزای نقدی یا ضرر مرعی خصوصی ۲- محکومیت به حبس

فرض دوم: عدم حضور متهم در موقع احضار: به کفیل یا وثیقه گذار اخطار می شود که ظرف بیست روز متهم را حاضر کند و گرن وثیقه یا وجه الکفاله ضبط خواهد شد برای اخذ وثیقه الکفاله یا ضبط وثیقه تنها ابلاغ واقعی به کفیل یا وثیقه گذار پذیرفته شده است ولی اگر ثابت شود آنها به منظور عدم امکان ابلاغ واقعی اخطاریه نشانی حقیقی خود را اعلام نکرده یا به این منظور از محل خارج شده ابلاغ قانونی اخطاریه برای وصول وجه الکفاله یا ضبط وثیقه کافی است.

\* با وجود اخطار به کفیل و وثیقه گذار برای حاضر نمودن متهم ، مرجع تحقیق می تواند دستور جلب متهم را نیز به ضابطین بدهد وایندو مانعه الجمع نیستند.

صدور دستور اخذ وجه الکفاله – وجه الالتزام – ضبط وثیقه بر عهده دادستان است.

قابلیت اعتراض دستور اخذ وجه الالتزام یا وجه الکفاله یا ضبط وثیقه: متهم – کفیل وثیقه گذار می تواند ظرف ۱۰ روز از تاریخ دستور دادستان به این دستور اعتراض نمایند مرجع رسیدگی به اعتراض: دادگاه عمومی جزایی – انقلاب مواردی که به خاطر آنها می توان اعتراض نمود:

۱- بخواهد ثابت نمایند که متهم در موعد مقرر حاضر شده یا او را حاضر نموده اند یا شخص ثالثی او یا حاضر نموده است.

۲- بخواهند ثابت نمایند متهم قبل از موعد فوت کرده است. ۳-بخواهد ثابت نمایند که پس از صدور قرار قبول کفالت یا التزام معسر شده اند

۴-اگر بخواهند که ثابت نمایند به جهاتی که ذکر می شود نتوانسته اند متهم را حاضر کنند یا متهم حاضر شود:

(الف) نرسیده احضار نامه یا دیر رسیدن احضار نامه به طوری که مانع از حضور در وقت معین شود. (ب) مرض مانع از حرکت

(ج) فوت همسر یا یکی از اقربا تا درجه سوم از طبقه دوم (ج) ابتلاء به حوادث مهم از قبیل حريق و امثال آن

(د) عدم امکان تردد به وسطه حوادث قهری مانند طغیان رودخانه و امراض مسری (ح) در توقيف بودن.

اجرای حکم نمی تواند دستور قانونی دادستان را در مورد وصول وجه الکفاله یا وجه الالتزام یا ضبط وثیقه، ابطال نماید یا موجبی برای اعتراض شود.

(توقیف احتیاطی) شدیدترین و مهمترین قرار تامین کیفری که سلب آزادی رفت و آمد متهم قبل از محکومیت است.

معایب: (الف) برخلاف اصل برائت است. (ب) موجب لطمہ به حیثیت و اعتبار و موقعیت اجتماعی فرد است که به راحتی قابل جبران نیست. (ج) موجب تاثیر منفی بر ذهن

قضی صادر کننده حکم و تسهیل صدور حکم محکومیت است. (د) برخلاف اصل برابری سلاح هاست. (طبق اصل برابری سلاح ها متنهم و مقام تعقیب باید از وسائل و امکانات برابر برای دفاع برخوردار باشند)

مزایا: (الف) موثرترین وسیله دستیابی به متهم و تضمین حضور او در موقع لزوم (ب) جلوگیری از تبائی متهم با سایرین یا فرار دادن متهم از طریق آگاه ساختن آنها از

تعقیب کیفری (ج) جلوگیری از فشار متهم بر بزه دیده و شاهد (د) تامین امنیت و مصون نگه داشتن متهم از انتقام بزه دیده یا بستگان او.

وجود تمایز قرار باز داشت موقت از سایر قرار های تامین:

(الف) برخلاف سایر قرار های تامین نیاز به توجیه و استدلال دارد.

(ب) برخلاف سایر قرار های تامین صدور قرار باز داشت باید به موافق دادستان برسد (اگر دادیار و یا باز پرس راسا قرار باز داشت صادر کند باید به تایید دادستان برسد

و نظر او متبع است. و نیز اگر این قرار را دادگاه کیفری استان صادر شود باید به تایید رئیس حوزه قضائی برسد و یا معاون وی تایید نماید.

(ج) برخلاف سایر قرار های تامین قرار باز داشت موقت قابل اعتراض است.

(د) برخلاف سایر قرار های تامین صدور آن در حقوق الناس منوط به تقاضای شاکی است.

(ح) برخلاف سایر قرار های تامین ، اصل منع دستگیری افراد ایجاد می کند که در موارد ضروری نیز به حکم و ترتیبی باشد که در قانون معین گردیده است و طرف مدت

مقرر پرونده به مرجع قضائی صالح ارسال شود و خانواده دستگیر شدگان در جریان قرار گیرند.

با زداشت

موقع

معایب

مزایا

ویژگیهای

قرار باز

داشت

## وشه سوالات مدارس و دانشگاه ها

## موارد اختیاری و الزامی صدور قرار باز داشت

موارد اختیاری	موارد اختیاری صدور قرار بازداشت موقت:
ماده ۳۲ ق.آ.د.ک	<p>الف) جرائمی که مجازان قانونی آنها اعدام ، رجم ، صلب ، قطع عضو باشد.</p> <p>ب) جرائم عمدى که حداقل مجازات قانونی آنها سه سال حبس باشد. (سه سال یا بیشتر)</p> <p>ج) جرائم ضد امنیت داخلی و خارجی کشور (د) در مواردی که آزادی بودن متهم موجب از بین رفتن آثار و دلایل جرم شده و یا باعث تبانی با متهمن دیگر یا شهود و مطلعین واقعه گردیده و یا سبب شود که شهود از ادای شهادت امتناع کنند. همچنین هنگامی که بیم فرار یا مخفی شدن متهم باشد و به طریق دیگری نتوان از آن جلو گیری نمود. ه) در قتل عمد با تقاضای اولیاء دم برای بینه اقامه کردن حداکثر به مدت شش روز.</p> <p>«مراعات مقررات بند «د» در بند های الف و ب و ج نیز الزامی است» ایراد ← با تعیین ضابطه چه نیازی به شمارش بند های الف - ب- ج بود؟ در جرایم منافی عفت چنانچه جنبه شخصی نداشته باشد در صورتی بازداشت متهم جایز است که آزاد بودن وی موجب فساد شود ← منظور از وجود جنبه شخصی وجود شاکی خصوصی است و مقصود آن دسته از جرایم منافی عفت است که در آن شخص معینی هم که از ارتکاب جرم متضرر گردیده شکایت خود را برای تعقیب تسلیم نماید و مانند قربانی زنانی به عفت، پس اگر در جرایم منافی عفت شاکی خصوصی در میان نباشد باز داشت متهم جایز نیست مگر در موردی که آزاد بودن وی موجب فساد گردد (فساد اخلاقی)</p>
ماده ۳۵ ق.آ.د.ک	<p>در موارد زیر با رعایت قیود ماده ۳۲ و تبصره های آن هر گاه قرائن و امارات موجود دلالت بر توجه اتهام به متهم نماید صدور قرار باز داشت الزامی است و تا صدور حکم بدوی ادامه خواهد یافت مشروط بر اینکه مدت آن از حداقل مدت مجازات مقرر قانونی جرم ارتکابی تجاوز ننماید.</p> <p>الف) قتل عقد- آدم ربایی- اسید پاشی- مجاربه و افساد فی الارض ب) در جرائمی که مجازات آنها اعدام یا حبس دائم باشد.</p> <p>ج) جرائم سرقت ، کلاهبرداری ، اختلاس ، ارتشاء ، خیانت در امانت ، جعل ، استفاده از سند مجعلو : در صورتی که متهم حداقل سابقه یک فقره محکومیت قطعی یا دو فقره یا بیشتر سابقه محکومیت غیر قطعی داشته باشد. د) در مواردی که آزادی متهم موجب فساد باشد. ه) در کلیه جرائمی که بموجب قواتین خاص مقرر شده باشد.</p> <p>ابهامات این ماده:</p> <p>۱- قتل عمد هم در بند ه ماده ۳۲ آمده و هم در بند الف ماده ۳۵ : اگر اولیاء دم در هنگام شکایت بینه داشته باشد موضوع ماده ۳۵ و اگر بینه نداشته باشد بند ه ماده ۳۲ است</p> <p>۲- جرائمی که مجازات قانونی آنها اعدام باشد در ماده ۳۲ و هو در ماده ۳۵ آمده است در موارد محاربه و افسار فی الارض است چون چهار مجازات دارد که یکی از آنها صلی است که یا می توان از دیدگاه عنوان مجرمانه نگاه کرد و باز داشت را الزامی دانست و یا به مجازات آن توجه کرد و آنرا از موارد اختیاری باز داشت دانست.</p> <p>۳- مراد از فساد در مواردی که آزادی متهم موجب فساد است معلوم نیست و تفاسیر زیاد دارد ۴- در قوانین خاص آیا آنها تابع قواعد خودند یا باید مقررات ماده ۳۵ نیز در آنها مراعات شود. ۵- برخی قوانین خاص درباره کسانی که به اتهام ارتکاب جرح و یا قتل بوسیله چاقو یا نوع اسلحه دیگر مورد تعقیب قرار گیرند (رشوه بیش از دویست هزار ریال - اختلاص زاید بر صد هزار ریال) ← یک ماه الزامی</p>

		باز بینی
پس از صدور قرار باز داشت توسط بازپرس یا دادیار پرونده باید ظرف مدت بیست و چهار ساعت برای اظهار نظر دادستان نسبت به این قرار برای وی ارسال گردد و در صورت مخالفت دادستان با این قرار نظر دادستان متبع است و باید متهم آزاد شود و مرجع باید قرار تامین دیگری در مورد او صادر نماید در این حالت مناسبترین قرار قرار وثیقه به نظر می رسد و اگر متهم در اثر ناتوانی تودیع وثیقه توسط خودش یا دیگری به بازداشگاه معرفی شود این بازداشت نیاز به موافقت دادستان ندارد.	موافق	
در قانون به دادستان اجازه داده شده که از باز پرس تقاضای صدور قرار بازداشت نماید ، اگر چه اگر از دادیار تقاضا نماید باید تعییت نماید ولی باز پرس تکلیفی به تعییت ندارد و می تواند با این درخواست مخالفت نماید. در این زمینه حل اختلاف نظر میان باز پرس و دادستان بر حسب مورد با دادگاه عمومی یا انقلاب محل خواهد بود.	دادستان	
در صورتی که باز پرس و دادستان درنمورد قرار باز داشت توافق نظر داشته باشند این قرار به متهم ابلاغ می شود و متهم طرف ده روز از تاریخ ابلاغ حق اعتراض دارد	اعتراض	
مرجع رسیدگی به این اعتراض حسب مورد دادگاه عمومی جزائی یا انقلاب محل است.	اعتراض به ادامه بازداشت	
چنانچه متهم معتقد باشد که دلایل که صدور بازداشت او را ایجاد می نموده دیگر وجود ندارد می تواند از مرجع صادر کننده قرار بخواهد که به بازداشت او خاتمه دهد مرجع مذکور موظف است ظرف ده روز از تاریخ تسلیم درخواست متهم ، تقاضای او را بررسی و نسبت به آن اظهار نظر نموده و نتیجه را به دادستان اعلام نماید در هر حال متهم نمی تواند در <u>هر ماه بیش از یک مرتبه</u> از این حق استفاده کند (در هر ماه شمسی یک بار و یک ماه پس از درخواست قبلی) رفع بازداشت → با تایید دادستان صورت می گیرد.	ادامه بازداشت	
مرجع رسیدگی به اعتراض به قرار بازداشت صادر شده توسط دادگاه عمومی جزائی یا انقلاب → دادگاه تجدید نظر استان هر چند رسیدگی به جرم در صلاحیت دادگاه کیفری استان باشد.		
مرجع رسیدگی به اعتراض به قرار باز داشت صادره از دادگاه کیفری استان → دیوان عالی کشور تکلیف دادگاه یا دادسرا به باز نگری قرار باز داشت صادر شده در فوائل زمانی معین:		
الف) جرم در صلاحیت دادگاه کیفری استان: <u>تا چهار ماه متهم باز داشت باشد</u> ب) جرم در سایر موارد <u>تا دو ماه متهم در بازداشت باشد</u> یا در هر دو مورد به علت صدور قرار تامین کفالت و یا وثیقه و عدم قرار تامین آن توسط متهم ، وی بازداشت بماند و پرونده اتهامی او منتهی به تصمیم قرار نهایی در دادسرا نشده باشد مرجع صادر کننده قرار مکلف به فک یا تخفیف قرار تامین متهم است مگر اینکه جهات قانونی دیگری یا علل موجه دیگری برای بقاء قرار تامین باز داشت وجود داشته باشد که در این صورت با ذکر علت بقاء خواهد شد ، متهم حق دارد ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ از این رای به دادگاه عمومی و انقلاب حسب مورد شکایت کند.		
فک قرار باز داشت → حذف قرار تامین و عدم تخفیف آن → با موافقت دادستان → در صور بروز اختلاف حل آن توسط دادگاه عمومی – انقلاب حسب مورد ابقاء قرار باز داشت → جهات قانونی : حکم قانون گذار مبنی بر ادامه آن : مثلا ماده ۳۵ مقرر می دارد که در این موارد قرار باز داشت تا صدور حکم بدوى ادامه دارد علل موجه: دلایل خاص مربوط به اوضاعی و احوال پرونده نظیر بیم مخفی شدن یا فرار متهم.	مدت بازداشت	
سه موعده برای مدت باز داشت وجود دارد که هر یک از آنها زودتر فرا رسید زمان آزادی متهم فرا می رسد مگر اینکه به دلایلی ادامه باز داشت تا موعده دیگر لازم باشد.	موقعت	
- چهار ماه در جرائمی که در صلاحیت دادگاه کیفری استان است و دو ماه در سایر جرائم - رسیدگی به مدت باز داشت متهم به حداقل میزان حبس پیش بینی شده برای جرم مستنبد به متهم		
۳- صدور حکم دادگاه بدوى		

## آیین دادرسی کیفری (دکتر خالقی) قرار های نهایی

<p><b>قرار منع تعقیب :</b> اظهار نظر <u>ماهوي</u> است و در سه مورد صادر می گردد:</p> <ul style="list-style-type: none"> <li>- عمل متضمن جرمی <u>نبوده</u> است مثلا در بررسی پرونده متهم به معامله معارض و یا انتقال مال غیر معلوم می شود که این جرم اتفاق نیافتداده مثل اینکه مجرم به مدت یک سال ملکی را که شاکی اجاره داده و در اجاره نامه ای دیگر به مدت یک سال از انتهای سال جاری به شخص دیگر اجاره داده است.</li> <li>- اصولا <u>جرائم</u> واقع نشده است : یعنی عملی که به متهم نسبت داده می شود در قانون جرم است ولی در تحقیقات معلوم می شود که جرم اتفاق نیافتداده است.</li> <li>- دلایل کافی برای ارتکاب جرم وجود نداشته باشد : مثل شخص معروف شده به قتل توسط اولیای دم ، در تحقیقات معلوم شود که مرتکب قتل نشده وقاتل شخص دیگر است.</li> </ul>	<b>قرار های نهایی</b>
<p>یک قرار شکلی است و در موارد زیر صادر می شود:</p> <ul style="list-style-type: none"> <li>۱- فوت متهم یا محکوم علیه در مجازاتهای شخصی</li> <li>۲- گذشت شاکی یا مدعی خصوصی در جرائم قابل گذشت</li> <li>۳- مشمولان عفو</li> <li>۴- نسخ مجازات قانونی</li> <li>۵- اعتبار امر مختومه</li> <li>۶- مرور زمان در مجازاتهای باز دارنده</li> <li>۷- احراز جنون متهم در زمان ارتکاب جرم.</li> <li>۸- قابل تعقیب نبودن به خاطر مصونیت سیاسی و ...</li> </ul>	<b>قرار موقوفی تعقیب</b>
<p>قرار ترک تعقیب: در صورت در خواست مدعی مبنی بر ترک محاکمه قرار ترک تعقیب صادر می گردد- این امر مانع از شکایت مجدد نمی باشد این قرار <u>فقط</u> در جرائم مربوط به حقوق <u>الناس</u> مجاز شمرده شده است . ماده ۱۷۷ ق.آ.د.ک</p>	<b>قرار ترک تعقیب</b>
<p>قرار مجرمیت: در صورتی که به عقیده مرجع تحقیق دلایل کافی بر ارتکاب جرم توسط متهم وجود داشته و او شایسته محاکمه در دادگاه باشد این قرار را صادر می کند. و پرونده با صدور کیفر خواست توسط دادستان جهت محاکمه و صدور حکم به دادگاه ارسال می گردد</p>	<b>قرار مجرمیت</b>
<p>کلیه قرارهای نهایی صادره توسط باز پرس یا دادیار باید به تایید <u>دادستان</u> برسد پس از آنکه تحقیقات پایان یافت بازپرس آخرین دفاع متهم را استماع نموده با اعلام ختم تحقیقات و اظهار عقیده خود پرونده را نزد دادستان می فرستد دادستان نیز مکلف است ظرف پنج روز از تاریخ وصول پرونده را ملاحظه و نظر خود را اعلام دارد.</p> <ul style="list-style-type: none"> <li>۱- موافقت دادستان با قرار منع یا موقوفی تعقیب ← قرار به طرفین ابلاغ می شود و <u>شاکی</u> ظرف <u>ده روز</u> حق اعتراض به این قرار در دادگاه عمومی جزایی یا انقلاب</li> <li>۲- موافقت دادستان با قرار ترک تعقیب و قرار مجرمیت ← با صدور قرار ترک تعقیب پرونده <u>با</u> <u>ایگانی</u> و با قرار ترک مجرمیت کیفر خواست صادر و به دادگاه ارسال می شود حق اعتراض وجود ندارد</li> <li>۳- مخالفت دادستان با رای قرار نهایی صادر از جانب بازپرس ← پرونده جهت حل اختلاف حسب مورد به دادگاه عمومی یا انقلاب ارسال و رای دادگاه قطعی است. رای دادگاه در رسیدگی به اعتراضات ← قطعی است و قابل تجدید نظر نیست.</li> <li>۴- اختلاف دادستان با بازپرسی در باره نوع جرم ← حل اختلاف حسب مورد با دادگاه عمومی یا انقلاب خواهد بود</li> </ul>	<b>مسئل موجو ده کار و خواست</b>

<p>اگر ارتکاب جرم موجد دو حق ، یکی حق جامعه برای مجازات مرتكب و دیگری حق زیان دیده برای مطالبه زیان خود گردد امکان طرح دو دعوا ، یکی دعوا عمومی و دیگری دعوا خصوصی فراهم می شود و هر دو دعوا در دادگاه جزائی قابل طرح است.</p> <p>ماده ۲ ق.آ.د.ک: کلیه جرایم دارای جنبه الهی است و به شرح ذیل تقسیم می گردد:</p> <p>اول: جرائمی که مجازات آن در شرع معین شده مانند موارد حدود و تعزیرات شرعی</p> <p>دوم: جرائمی که تعدی به حقوق جامعه و یا مخل نظم همگانی است.</p> <p>سوم: جرائمی که تعدی به حقوق شخص یا اشخاص معین حقیقی یا حقوقی است.</p> <p>تبصره ۲: جرمی که دارای دو جنبه باشد می تواند موجب دو ادعا گردد:</p> <p>(الف) دعای عمومی برای حفظ حدود الهی و نظم عمومی</p> <p>(ب) ادعای خصوصی برای مطالبه حق از قبیل قصاص و قدف و ضرر و زیان</p> <p>در نتیجه: دعوا خصوصی قابل طرح در مرجع کیفری دعوا مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم است و شامل هر دعوای حقوقی که بزه دیده حق طرح دارد را نمی گردد.</p> <p>ماده ۹ ق.آ.د.ک: ضرر و زیان های قابل مطالبه به شرح ذیل است:</p> <p>۱- ضرر و زیان های مادی که در نتیجه ارتکاب جرم حاصل شده است.</p> <p>۲- منافعی که ممکن الحصول بوده و در اثر ارتکاب جرم ، مدعی خصوصی از آن محروم و متضرر می شود</p> <p><u>ضرر و زیانهای مادی</u> : خسارتنی است که به دارایی و جسم شخص وارد می شود اعم از اینکه عین مال او را کلاً یا جزئی تلف نماید و یا سبب تحمیل هزینه ای برای ترمیم موقعیت وی گردد.</p> <p>منافعه ممکن الحصول: منافعی که سبب تحقق آنها موجود بوده (متقضی وجود آنها حاصل شد ) و روند طبیعی امور منجر به حصول آنها میشده ولی تحقق جرم مانع تحقق این منافع گردیده است</p> <p>چنانچه ثابت گردد که میزان دیه تعیین شده کافی برای جبران خسارتنی که شاکی متحمل گردیده ، نیست ، دادگاه می تواند در صورت مطالبه ، حکم به محکومیت متهم به پرداخت آنها صادر نماید.</p> <p>هرگاه دادگاه متعاقباً <u>حکم تشخیص دهد</u> <u>مکلف</u> است ضمن صدور حکم جزائی ، حکم ضرر و زیان مدعی خصوصی را نیز طبق دلایل و مدارک موجود صادر نماید مگر اینکه رسیدگی به ضرر زیان محتاج به تحقیقات بیشتری باشد که در این صورت دادگاه حکم جزائی را صادر پس از آن به دادخواست ضرر و زیان رسیدگی کرده و حکم مقتضی را صادر نماید (ماده ۱۲ - ق.آ.د.ک)</p> <p>مطابق رای وحدت رویه قضائی شماره ۶۴۹ - ۷۹ / ۵ ماده مذکور دلالتی بر منع رسیدگی نسبت به امر ضرر و زیان در صورت صدور حکم برأت ندارد.</p>	<p>دعای خصوصی</p> <p>ضرر و زیان های قابل مطالبه</p> <p>هزینه های مازاد برده</p> <p>وقایع و مکان</p>
--	---

## شرایط طرح دعوی خصوصی

شرایط طرح دعوی خصوصی در مرجع کیفری:

**الف) در جریان بودن دعوای عمومی:** بدوأ باید تعقیب کیفری متهم براساس شکایت بزه دیده یا اقدام دادستان به جریان افتاده باشد ، سپس دعوای خصوصی بزه دیده به عنوان کسی که از وقوع جرم متضرر شده در دادگاه کیفری قابل رسیدگی شود ، زیرا رسیدگی و امکان طرح دعوای خصوصی در مرجع کیفری یک امری استثنائی است و فقط با شرط دخالت این مرجع در امر کیفری منشا خسارت تجویز شده است.

**ب) لزوم تقدیم دادخواست و استثنای آن:** مطالبه ضرر و زیان مستلزم رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی است و مطابق ماده ۱۱ ق.آ.د.ک «پس از آنکه متهم تحت تعقیب قرار گرفت مدعی یا شکی می تواند اصل یا رو نوشت تمامی دلایل و مدارک خود را جهت پیوست به پرونده به مرجع تعقیب تسليم کرده و مطالبه ضرر و زیان کند.»

هر چند مدعی یا شاکی از نخستین مراحل فرایند رسیدگی در دادسرا و جریان تحقیقات دادخواست ضرر و زیان خود را به دادیار یا باز پرس مامور تحقیق تسليم نماید نا در دادگاه مورد رسیدگی قرار گیرد ولی این کار توصیه نمی شود بلکه بهتر است وقتی که پرونده به دادگاه ارسال شد دادخواست را به دادگاه تقدیم کند زیر در دادسرا اگر قرار منع یا موقوفی تعقیب صادر شود اصلاً پرونده به دادگاه ارسال نمی شود تا مورد رسیدگی قرار گیرد و مدعی ناچار به پرداخت هزینه دادرسی دوباره در دادگاه حقوقی می شود.

## شرایط طرح

### دعوای خصوصی

۱- رد مال تحصیل شده از جرم : طبق ماده ۱۰ ق.م.ا « باز پرس یا دادستان در صورت صدور قرار منع تعقیب یا موقوف شدن تعقیب باید تکلیف اشیاء و اموال کشف شده را ... که از جرم تحصیل شده ... تعیین کند تا مسترد یا ضبط یا معذوم گردد.

شرط این تکلیف این است که مال مزبور در جریان تحقیقات و رسیدگی کشف شده باشد و عین مال تحصیل شده از جرم نیز موجود باشد و گرنه دادگاه تکلیفی به حکم به رد عین یا مثل و قیمت ندارد

۲- تکلیف دادگاه به صدور حکم به پرداخت مالی به شاکی در جرائم خاص :

۱- جرم کلاهبرداری : محکوم نمودن متهم به رد مال تنها در موردی است که دادگاه او را  مجرم تشخیص داده و به مجازات محکوم نماید و نیز محدود به صدور حکم به رد اصل مال است نه اجره المثل یا ...

۲- جرم سرقت ( فقط تعزیری نه سرقت جدی ) - اختلاس - حرق و تخریب: دادگاه رأساً موظف است که علاوه بر حکم به مجازات ، متهم را به رد مال به مالک آن نیز محکوم نماید و اگر عین مال موجود نباشد (برخلاف جرم کلاهبرداری) دادگاه موظف به صدور حکم به پرداخت مثل یا قیمت مال به مالک است.

۳- مطالبه دیه وارش: مستلزم تسليم دادخواست و هزینه دادرسی نیست و صرف تقاضای شاکی کافی است.

**ج) رعایت مهلت تقدیم دادخواست :** مدعی خصوصی تا زمان اعلام ختم دادرسی توسط دادگاه فرصت دارد که دادخواست ضرر و زیان خود را تسليم نماید: مطابق ماده ۱۱ ق.آ.د.ک «پس از آنکه متهم تحت تعقیب قرار گرفت شاکی می تواند اصل یا رو نوشت به مرجع تسليم کند و نیز می تواند قبل از اعلام ختم دادرسی تسليم دادگاه نماید و ...»

## آیین دادرسی کیفری (دکتر خالقی) صلاحیت مراجع رسیدگی

<p>پس از صدور قرار مجربیت توسط بازپرس یا دادیار و موافقت دادستان با آن صدور کیفر خواست پرونده متهم جهت محاکمه و صدور حکم به دادگاه (مرجع رسیدگی و صدور حکم) ارسال می گردد.</p> <p><b>کیفر خواست</b></p>	<p>کیفر خواست: تقاضا نامه دادستان از مرجع رسیدگی مبنی بر صدور حکم به محکومیت و مجازات متهم ، کیفرخواست نامیده می شود و باید حاوی کلمات زیر باشد:</p> <ul style="list-style-type: none"> <li>- نام و نام خانوادگی، نام پدر، سن، شغل، محل اقامت، وضعیت سواد، وضعیت تأهل</li> <li>- نوع قرار تامین با قید اینکه متهم بازداشت است یا آزاد.</li> <li>- نوع اتهام</li> <li>- دلایل اتهام</li> <li>- موارد قانون استثناد</li> <li>- سابقه محکومیت کیفری در صورت سابقه دار بودن متهم</li> <li>- تاریخ و محل وقوع جرم.</li> </ul> <p><b>صلاحیت: شایستگی یک مرجع برای رسیدگی به یک موضوع (توانایی و تکلیف برای رسیدگی)</b></p> <p>ویژگیهای قوانین و مقررات مربوط به صلاحیت: * از جمله قوانین آمره و مربوط به نظام عمومی است و دارای نتایجی است: ۱ - قابل تراضی برخلاف آن از طرف افراد ذینفع نیست</p> <p>۲- اعتراض به صلاحیت در هر مرحله از روند رسیدگی امکان پذیر است و محدود و مقید به زمان خاصی و مرحله و مقطع خاصی نیس ۳- مرجع رسیدگی باید بدؤاً صلاحیت خود را برای این کار احراز نموده و در صورت عدم صلاحیت از رسیدگی خودداری کند ۴- اصولاً رای صادر شده توسط مرجع فاقد صلاحیت بی اعتبار بوده و در مرجع تجدید نظر قابل نقض</p>	<p><b>ویژگی های قوانین و مقررات صلاحیت</b></p>
<p><b>صلاحیت ذاتی:</b> ملاک تعیین کننده آن موضوع اتهام است و دارای سه عنصر صنف، نوع، درجه است.</p> <p>منظور از صنف: رسیدگی باید توسط مرجع حقوقی صورت گیرد یا کیفری یا اداری. منظور از نوع: مرجع مزبور باید یک مرجع عمومی باشد یا اختصاص مرجع عمومی صلاحیت رسیدگی به کلیه امور را دارند مگر اموری که صراحتاً در صلاحیت مرجع دیگر قرار گرفته باشند</p> <p>مرجع اختصاصی: صلاحیت رسیدگی به هیچ امری را ندارند مگر اینکه صراحتاً امور معینی در صلاحیت آنها قرار گرفته باشد</p> <p>منظور از درجه : نیز تعیین این نکته است که رسیدگی در صلاحیت مرجع بدوى است یا مرجع تجدید نظر.</p>	<p><b>أنواع صلاحية</b></p>	<p><b>صلاحیت ذاتی</b></p>
<p><b>صلاحیت محلی</b></p> <p><b>صلاحیت محلی:</b> متهم در دادگاهی محاکمه می شود که جرم در حوزه آن واقع شده باشد محل وقوع جرم نیز براساس عنصر مادی آن تعیین می شود</p> <p><b> محل وقوع جرم مركب:</b> جرمی است که عنصر مادی آن از دو یا چند عمل از نوع متفاوت تشکیل شده است مثل کلاهبرداری که از دو عنصر مادی توسل به وسائل متقابله و دریافت مال از صاحب آن تشکیل شده است. حال اگر هر یک از عناصر این جرم در محل های مختلف (حوزه های قضایی مختلف) واقع شده باشد محل وقوع هر جزئی از جرم به عنوان محل وقوع آن جرم تلقی می شود و مراجع قضائی آن محل صلاحیت رسیدگی به آن جرم (کل جرم) را دارند ولی در صورتی که یک دادگاه شروع به رسیدگی نماید دادگاه های دیگر باید از رسیدگی خودداری نماید.</p> <p><b> محل وقوع جرم مستمر:</b> جرمی است که عناصر مادی آن نه با تحقق لحظه ای یک عمل ، بلکه با تداوم و استمرار آن در آنات و لحظه های پیوسته زمان تحقق می یابد مثل جرم حمل اسلحه ؛ حال اگر حمل کننده اسلحه آنرا از محل هایی به محل های دیگر حمل کند هر یک از این محل ها ، محل وقوع جرم محسوب می شود و صلاحیت رسیدگی به آن را دارد ولی اگر یکی از آن محل ها شروع به رسیدگی نماید به دلیل سبق رسیدگی حق تقدم داشته و دادگاه حوزه قضائی محل دیگر باید از رسیدگی خودداری نماید دستگیری متهم در یکی از آن محل ها سبق رسیدگی محسوب می شود</p> <p>جرائم که عنصر مادی آن ترک فعل است : رنتار مادی از مرتکب سرزنشده بلکه مرتکب عدم انجام یک وظیفه شده است مثل جرم ترک اتفاق: برای تشخیص محل وقوع جرم باید به محل انجام این تکلیف توجه کرد و ترک انجام تکلیف در آن را محل وقوع جرم تلقی نمود. مثلاً محل وقوع جرم در ترک اتفاقی جایی است که نفعه زن باید در آنجا پرداخت می شده و همسر نپرداخته است.</p>	<p><b>صلاحیت محلی</b></p>	<p><b>صلاحیت محلی</b></p>

## صلاحیت مراجع رسیدگی کیفری

<p><b>صلاحیت محلی</b></p> <p>جرائمی که متهمین ایرانی در خارج از قلمرو حاکمیت ایران مرتکب شده اند: ماده ۵۷ ق.آ.د.ک «هر گاه یکی از اتباع ایرانی در خارج از قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرمی شده و در ایران دستگیری شود، در دادگاهی محاکمه می شود که در حوزه آن دستگیر شده است» پس باید متهم ایرانی باشد و در ایران دستگیر شده باشد جرائم متهمینی که ایرانی نیست یا اگر هم ایرانی است دستگیر نشده بلکه صرفاً در ایران حضور دارد ← دادگاه محل دستگیری متهم متهمانی که در ایران دستگیری نشده بلکه به صرف حضور آنها در ایران دادگاههای ایران صلاحیت دارند (اعم از ایرانی و خارجی) ← دادگاه محل اقامت – یا محل حضور</p>	<p><b>صلاحیت شخصی</b></p> <p>شخصیت مرتکب گاه ضابطه تعیین صلاحیت ذاتی قرار می گیرد و قانون رسیدگی به اتهامات افرادی معین را در صلاحیت مرجعی خاص قرار می دهد و صلاحیت ذاتی براساس <u>شخصیت متهم</u> تعیین می گردد نه موضوع اتهام مثل تبصره ۲۰ ق.آ.د.ک «به جرائم اشخاص بالغ کمتر از ۱۸ سال تمام ... در دادگاه اطفال طبق مقررات عمومی رسیدگی می شود» گاه صلاحیت شخصی براساس شخصیت متهم هم ملاک صلاحیت ذاتی و هم ملاک صلاحیت محلی است مثل ماده ۴ ق.ت.د.ع.ا «رسیدگی به کلیه اتهامات اعضاًی مجمع تشخیص مصلحت نظام شورای نگهبان نمایندگان مجلس شورای اسلامی ... در صلاحیت دادگاه کیفری استان تهران می باشد»</p>	<p><b>بند اول. صلاحیت اضافی: صلاحیتی که یک دادگاه علاوه بر صلاحیت اصلی خود نسبت به جرم ارتکابی در حوزه قضائی اش، نسبت به جرم دیگر واقع در خارج از حوزه قضائی خود دارد. و در دو مورد پیش بینی شده است:</b></p> <p><b>الف) تعدد اتهام:</b> اگر شخص مرتکب چند جرم در جاهای مختلف شود ، در دادگاه رسیدگی خواهد شد که <u>مهمنترین</u> جرم در حوزه آن واقع شده است.</p> <p><b>ملک اهمیت جرم:</b> <u>شدت مجازات</u> مقرر در <u>قانون</u> برای آن جرم به ترتیب اهمیت مجازات : اعدام ← (شلاق ← زندان ← اختلافی)</p> <p>ولی طبق تشدید مجازات ← زندان اشد از شلاق</p> <p>چنانچه جرائم ارتکابی از حیث مجازات در یک درجه باشند دادگاهی که مرتکب در آن حوزه <u>دستگیر شده رسیدگی</u> و اگر دستگیر نشده باشد دادگاه که ابتدائاً شروع به تعقیب موضوع نموده صلاحیت رسیدگی به کلیه جرائم مذکور را دارد.</p> <p>صلاحیت اضافی در تعدد اتهام در صورتی است که جرائم مختلف متعدد در صلاحیت ذاتی دادگاه واحدی بوده و تنها محل ارتکاب مختلف باشد و گرنه دادگاه صالح رسیدگی خواهد نمود که متهم ابتدا در دادگاهی محاکمه می سود که صلاحیت رسیدگی به مهمترین اتهام را دارد و پس از آن به دادگاه مربوط اعزام خواهد شد و در صورتی که اتهامات از حیث درجه (کیفر) مساوی باشند متهم حسب مورد به ترتیب در دادگاه انقلاب ← نظامی ← عمومی محاکمه می شود.</p> <p><b>ب) تعدد متهم:</b> فرضی است که دو یا چند نفر در تحقیق عمل مجرمانه واحد نقش «مباشرت- شرکت -معاونت» داشته و رسیدگی به اتهام همه آنها مطرح باشد.</p> <p>معاونت: اقدام کسی است که بدون دخالت در عنصر مادی جرم با برانگیختن دیگر به ارتکاب جرم یا تسهیل وقوع آن به مباشرت جرم کمک می کند</p> <p>شرکت: همکاری دو یا چند نفر در تحقیق عمل مجرمانه ای که هر یک به نحوی در عنصر مادی جرم دخالت داشته و اعمال مادی جرم مستند به آنها باشد</p> <p>دخالت جمعی دو یا چند نفر در تحقیق عمل مجرمانه: ارتکاب چند جرم متعدد با مرتکبین متعدد ، از کیفیات مشدده جرم است مثل سارقینی که دو نفر یا بیشتر باشد</p> <p>جرائم سازمان یافته: همکاری سه نفر یا بیشتر در تحقیق یک نقشه مجرمانه با قصد تحصیل منافع مالی.</p> <p>* شرکاء و معاونین جرم در دادگاه محاکمه می شوند که صلاحیت رسیدگی به اتهام <u>جرائم اصلی</u> را دارد</p> <p>تشخیص جرم اصلی در بین جرم: کسی که بیشترین نقش را در ارتکاب عمل مجرمانه بر عهده داشته و نسبت به دیگران سهم بیشتری در تحقیق آن داشته است</p>
<p><b>استثنایات قواعد صلاحیت</b></p>	<p>صلاحیت اضافی در تعدد اتهام در صورتی است که جرائم مختلف متعدد در صلاحیت ذاتی دادگاه واحدی بوده و تنها محل ارتکاب مختلف باشد و گرنه دادگاه صالح رسیدگی خواهد نمود که متهم ابتدا در دادگاهی محاکمه می سود که صلاحیت رسیدگی به مهمترین اتهام را دارد و پس از آن به دادگاه مربوط اعزام خواهد شد و در صورتی که اتهامات از حیث درجه (کیفر) مساوی باشند متهم حسب مورد به ترتیب در دادگاه انقلاب ← نظامی ← عمومی محاکمه می شود.</p> <p><b>ب) تعدد متهم:</b> فرضی است که دو یا چند نفر در تحقیق عمل مجرمانه واحد نقش «مباشرت- شرکت -معاونت» داشته و رسیدگی به اتهام همه آنها مطرح باشد.</p> <p>معاونت: اقدام کسی است که بدون دخالت در عنصر مادی جرم با برانگیختن دیگر به ارتکاب جرم یا تسهیل وقوع آن به مباشرت جرم کمک می کند</p> <p>شرکت: همکاری دو یا چند نفر در تحقیق عمل مجرمانه ای که هر یک به نحوی در عنصر مادی جرم دخالت داشته و اعمال مادی جرم مستند به آنها باشد</p> <p>دخالت جمعی دو یا چند نفر در تحقیق عمل مجرمانه: ارتکاب چند جرم متعدد با مرتکبین متعدد ، از کیفیات مشدده جرم است مثل سارقینی که دو نفر یا بیشتر باشد</p> <p>جرائم سازمان یافته: همکاری سه نفر یا بیشتر در تحقیق یک نقشه مجرمانه با قصد تحصیل منافع مالی.</p> <p>* شرکاء و معاونین جرم در دادگاه محاکمه می شوند که صلاحیت رسیدگی به اتهام <u>جرائم اصلی</u> را دارد</p> <p>تشخیص جرم اصلی در بین جرم: کسی که بیشترین نقش را در ارتکاب عمل مجرمانه بر عهده داشته و نسبت به دیگران سهم بیشتری در تحقیق آن داشته است</p>	<p><b>صلاحیت</b></p>

## آیین دادرسی کیفری (دکتر خالقی) صلاحیت مراجع رسیدگی کیفری

<p>در صورتی که یک یا چند طفل با مشارکت یا معاونت اشخاص دیگر مرتکب جرم شده باشند بر جرائم اطفال در دادگاه رسیدگی کننده به جرائم اطفال رسیدگی خواهد شد و به جرائم شرکاء و معاونین بالای ۱۸ سال در دادگاه صالح رسیدگی خواهد شد.</p> <p>ماده ۳۱ آیین نامه دادسرا ها و دادگاه های ویژه روحانیت : اتهامات شرکاء - معاونین و مرتبطین متهم روحانی در دادسرا و دادگاه ویژه مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت.</p> <p>دادگاه های نظامی: به اطلاق ماده ۱۹۸ ق.آ.د.ک ۱۲۹۰ عمل می شود: «شرکاء و معاونین جرم در محکمه ای محاکمه که صلاحیت حکم را درباره مجرمان اصلی دارد»</p>	<p><b>بند دوم: احوال:</b> عبارت است از واگذاری رسیدگی به یک اتهام از دادگاه واجد صلاحیت محلی به دادگاه دیگری که اصولاً صلاحیت محلی رسیدگی به آن را ندارد احوال امری استثنایی است ، زیرا اصل بر این است که « پس از ارجاع پرونده نمی توان آن را از شعبه مرجع الیه اخذ و به شعبه دیگر ارجاع کرد.م.۲۶۲ آ.د.ک و تبصره آن موارد احواله در سه مورد محصور است.</p> <p>۱- بیشتر متهمین در حوزه دادگاه دیگری اقامت داشته باشند. ۲- محل وقوع جرم از دادگاه صالح دور باشد به نحوی که دادگاه دیگر به علت نزدیک یه محل واقعه بهتر بتواند رسیدگی نماید. ۳- به منظور حفظ نظم و امنیت ، هر گاه قوه قضائیه یا دادستان کل کشور تشخیص دهد ، پس از موافقت دیوان عالی کشور پرونده به مرجع قضائی دیگر احواله خواهد شد.</p> <p>طريق احواله در موارد ۱ و ۲: احواله از حوزه دیگر استان: به در خواست رئیس حوزه مبدا و موافقت شعبه اول دادگاه تجدید نظر همان استان.</p> <p>احواله از حوزه یک استان به استان دیگر: به در خواست رئیس حوزه قضائی مبدا و موافقت دیوانعالی کشور.</p>	<p>احواله</p>
<p>صلاحیت انصصاری:</p> <p>صلاحیت دادگاه کیفری استان تهران: کلیه اتهامات: ۱- اعضاء مجمع تشخیص مصلحت نظام ۲- اعضای شورای نگهبان ۳- نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۴- وزراء و معاونین آنها ۵- معاونان و مشاوران روسای قوای سه گانه ۶- سفراء ۷- دادستان و رئیس دیوان محاسبات ۸- دارندگان پایه قضائی ۹- استانداران ۱۰- فرمانداران ۱۱- مدیران کل اطلاعات استان ها ۱۲- افسران نظامی و انتظامی سرتیپ به بالا</p> <p>* جرائم مندرج در قانون مجازات اخلال کنند گان در امنیت پرواز و خرابکاری در وسائل و تاسیسات هواییمایی → در صلاحیت مراجع قضائی پایتخت.</p> <p>* جرائم مربوط به قانون ثبت اختراعات طرح های صنعتی علائم تجاری → در صلاحیت دادگاه های عمومی تهران.</p> <p>صلاحیت دادگاه های مرکز استان: کلیه جرائم ۱- مدیران کل وزارت خانه ها و سازمان ها و موسسات دولتی و وابسته به دولت</p> <p>۲- روسای دانشکده ها و دانشگاه ها و موسسات عالی علمی ۳- روسای ادارات استان ها و شهرستان ها و شهرداران مرکز شهرستان ها ، روسا و مدیران و اعضاء هیئت مدیره و هیات عامل شرکت ها و موسسات و سازمان دولتی ۴- روسا و مدیران سازمان و موسسات ممکانی ، روسا و مدیران سازمان ها و موسسات مامور به خدمات عمومی ۵- کفیل و قائم مقام مقامات مذکور ۶- جرائم مطبوعاتی</p>	<p>صلاحیت انصصاری</p>	<p>صلاحیت انصصاری</p>
<p>صلاحیت مراکز استانها</p>	<p>صلاحیت مراکز استانها</p>	<p>صلاحیت مراکز استانها</p>

<p><b>تعارض صلاحیت و حل اختلاف در آن :</b> اصولاً هر دادگاهی باید قبل از شروع به رسیدگی ، صلاحیت خود را براساس قواعد عمومی صلاحیت و موارد صلاحیت اختصاصی هر یک از مراجع ارزیابی و در صورت وجود صلاحیت به رسیدگی نسبت به این کار اقدام نماید و چنانچه صلاحیت نداشته باشد با صدور قرار عدم صلاحیت پرونده را به دادگاه صالح ارسال نماید و دادگاه و مرجع مذکور تکلیفی به قبول تشخیص دادگاه اول ندارد و خود باید صلاحیت خویش را احراز نموده و در صورت صلاحیت رسیدگی را شروع کند.</p>	<p><b>تعارض صلاحیت :</b> دو دادگاه نسبت به یک جرم همزمان از خود به نفع دیگری نفی صلاحیت کرده (تعارض منفی) یا نسبت به یک جرم هر یک همزمان خود صالح بدانند (تعارض مثبت) معمولاً تعارض مثبت کمتر رخ می دهد.</p>	<p><b>صورت تعارض در صلاحیت:</b> الف) تعارض در صلاحیت ذاتی      ب) تعارض در صلاحیت محلی.</p>	<p><b>قاعده کلی:</b> همیشه حل اختلاف توسط مرجعی صورت می گیرد که نسبت به طرفین اختلاف مرجع بالاتر محسوب شود و نظر بالاتر متبع خواهد بود. حل اختلاف در صلاحیت در امور کیفری طبق قواعد مذکور در کتاب آیین دادرسی در امور مدنی خواهد بود.</p>	<p><b>مراجع حل اختلاف</b></p>
<p><b>دادگاه نظامی<sub>۱</sub>:</b> بین دادگاه نظامی ۱ و ۲ (نظر دادگاه نظامی ۱ متبع است) - دو دادگاه نظامی در حوزه قضایی یک استان</p>	<p><b>دیوانعال کشور :</b> بین دادگاه های حوزه قضائی دو استان - دادگاه انقلاب و عمومی و نظامی به هر صورت - دیوان عالی کشور با دادگاه تجدید نظر - بین دادگاه اطفال و کیفری آن استان - اختلاف هر یک از مراجع قضائی یا مراجع غیر قضائی</p>			
<p>ضمانت اجرای قواعد صلاحیت به طور کلی اصل بر عدم اعتبار اقدامات و تصمیمات مراجع قضائی فاقد صلاحیت است و رسیدگی باید در مرجع صالح انجام گیرد.</p> <p>چنانچه رای توسط دادگاهی که صلاحیت ذاتی ندارد صادر شده باشد باید در مرجع بالاتر نقض گردد. م ۲۴۹ ق.آ.د.ک ← ( عدم رعایت صلاحیت ذاتی )</p> <p>عدم رعایت صلاحیت محلی: دو فرض وجود دارد.</p>	<p><b>ضمانت اجرای قواعد صلاحیت محلی:</b> دو فرض وجود دارد.</p>	<p>۱- نقض صلاحیت انحصاری دادگاههای پایتخت و رسیدگی در محل دیگر مثل محل وقوع جرم ← مرجع تجدید نظر رای را نقض و پرونده را به دادگاه صالح ارسال</p>	<p>۲- نقض صلاحیت محلی دادگاه ← الف) ایراد هر یک از طرفین در تجدید نظر خواهی ← مرجع تجدید نظر رای را نقض و پرونده را به دادگاه صالح ارسال</p>	<p>ب) عدم ایراد هر یک از طرفین عوا ← عدم نقض رای به علت صلاحیت محلی نداشتن دادگاه صادر کننده رای</p>
<p>قرار عدم صلاحیت صادره از جانب باز پرس باید به تایید دادستان برسد و در صورت اختلاف بین نظر دادستان و باز پرس مرجع حل اختلاف حسب مورد با دادگاه عمومی و یا انقلاب خواهد بود.</p>	<p><b>اختلاف بین باز پرس و دادستان</b></p>			

## صلاحیت اختصاصی هر یک از مراجع

### صلاحیت اختصاصی هر یک از مراجع رسیدگی:

گفتار اول : (مراجع رسیدگی نخستین) مراجعی که پس از تکمیل تحقیقات مقدماتی در دادسرا ، اولین مرحله رسیدگی به اتهام متهم را بر عهده دارند. ( مراجع بدوى )  
بند اول: مراجع عمومی رسیدگی : صلاحیت رسیدگی به کلیه جرائم را دارند مگر جرائمی به طور استثنائی در صلاحیت مرجعی دیگر قرار گرفته باشد.

**(الف) دادگاه عمومی جزائی :** صلاحیت عام رسیدگی به کلیه جرائم را داراست مگر اینکه قانون رسیدگی به جرمی را در صلاحیت مرجعی دیگر قرار داده باشد . در کلیه شهرستان ها با معیت یک دادسرا و در بخش ها ( بدن دادسرا ) تشکیل می شود و با حضور یک قاضی ( رئیس دادگاه یا دادرس علی البدل ) رسیدگی می شود.

**(ب) دادگاه اطفال:** در هر حوزه قضائی و در صورت نیاز یک یا چند شعبه از دادگاه های عمومی برای رسیدگی به کلیه جرائم اطفال اختصاص داده می شود و این اختصاص مانع از ارجاع سایر پرونده ها به آن شعب نمی باشد. بنابراین هنوز در ایران یک دادگاه اختصاصی ویژه رسیدگی به جرایم اطفال وجود ندارد و دادگاه های مذکور جزئی از مجموعه دادگاه های عمومی جزائی هستند.

**صلاحیت دادگاه اطفال:** رسیدگی به کلیه جرائم افراد کمتر از ۱۸ سال تمام نه فقط افراد غیر بالغ و ملاک صلاحیت دادگاه سن مرتکب در زمان ارتکاب جرم است نه رسیدگی

طبق قانون آیین دادرسی کیفری: بر حسب اینکه متهم در زمان ارتکاب عمل بالغ بوده یا صغیر مقررات متفاوتی پیش بینی شده و به افراد نا بالغ که طفل می گویند مقررات متفاوتی از مقررات مربوط به افراد بالغ پیش بینی شده از جمله:

۱- لزوم حضور ولی یا سرپرست یا وکیل متهم در دادگاه و اگر تعیین نکند تعیین وکیل تسخیری برای او توسط دادگاه

۲- قرار تامین متفاوت: قرار ها در مورد اطفال منحصر به قرار التزام ولی سرپرست طفل یا شخص ثالث به حاضر کردن او در موارد لزوم با تعیین وجه التزام تودیع وثیقه توسط ولی یا سرپرست یا شخص دیگر ، **نگهداری موقت** طفل در کانون اصلاح و تربیت.

۳- غیر علی بودن رسیدگی: ماده ۲۲۵ ق.آ.د.ک « رسیدگی به جرائم اطفال علی خواهد بود در دادگاه فقط اولیاء و سرپرست قانونی طفل و وکیل مدافع و شهود و مطلعین و نماینده کانون اصلاح و تربیت که دادگاه حضور آنها لازم بداند حاضر خواهد شد.» ماده ۲۲۶ ق.آ.د.ک « در صورتی که مصلحت طفل اقتضاء نماید رسیدگی در قسمتی از مراحل رسیدگی در غیاب متهم انجام خواهد گرفت و در هر حال رای دادگاه حضوری محسوب می شود.

۴- تجدید نظر دادگاه در تصمیمات خود (استثناء بر قاعده فراغ دادرس) : دادگاه رسیدگی کننده بر جرائم اطفال حسب گزارشہایی که از وضع اطفال و تعلیم و تربیت آنها از کانون اصلاح و تربیت دریافت می کند و می تواند در تصمیمات خود یک بار تجدید نظر نماید به این طریق که مدت نگهداری را تا یک چهارم تخفیف دهد.

۵- انجام تحقیقات مقدماتی توسط دادگاه : تبصره ۳ ماده ۳ ق.ت.د.ع.ا ← جرائم اطفال مستقیما در دادگاه ها مطرح خواهد شد. و ماده ۲۲۱ ق.آ.د.ک « در جرائم اطفال رسیدگی مقدماتی اعم از تعقیب و تحقیق با رعایت مفاد تبصره ۴۳ توسط دادرسی یا به درخواست او توسط قاضی تحقیق انجام می گیرد ...»  
نا بالغ ← پسر ← کمتر از ۱۵ سال تمام قمری  
دختر ← کمتر از ۹ سال تمام قمری

صلاحیت  
اختصاصی

## مراجع اختصاصی رسیدگی

مراجع اختصاصی رسیدگی ویژگیها	مراجع اختصاصی رسیدگی
	<p>مراجع اختصاص رسیدگی: مراجعی که اصولاً صلاحیت به هیچ جرمی را ندارند مگر جرائمی که به طور صریح در صلاحیت آنها قرار داده شده باشد.</p> <p>ویژگی های مراجع اختصاصی:</p> <ul style="list-style-type: none"> <li>۱- محدودیت های حق دفاع متهم به شکل بر گزاری محاکمه <u>غیر علني</u> یا عدم استقبال از برخورداری از وکیل در این مراجع</li> <li>۲- سرعت در رسیدگی و واکنش مخصوصاً در دادگاه های نظامی</li> </ul> <p>۱- اهداف تاسیس این مراجع :</p> <ul style="list-style-type: none"> <li>۱- شدت عمل و سخت گیری بیشتر نسبت به متهمان مثل دادگاه انقلاب</li> <li>۲- دقت عمل و سهل گیری بیشتر نسبت به برخی متهمان مثل دادگاه اطفال</li> <li>۳- تنها افزایش دقت از طریق روش های نظیر تعدد قضاط مانند دادگاه کیفری استان</li> </ul>
	<p>(الف) مراجع قضائی.</p> <p>۱- <u>دادگاه کیفری استان</u> : دادگاهی است که صلاحیت رسیدگی به چند جرم محدود و معین را دارد که یا به دلیل شدت مجازات و با به لحاظ ابعاد سیاسی اجتماعی آنها از اهمیت ویژه ای برخوردار می باشد لذا از لحاظ شان و رتبه و جایگاه قضائی جرئی از مجموعه دادگاه های تجدید نظر استان بوده و در آن اصل تعدد قضاط حاکم است با توجه به اینکه این دادگاه شعبه ای از دادگاه های تجدید نظر استان هست مقر تشکیل آنها نیز شهرستان مرکز استان و حوزه صلاحیت آنها از لحاظ محلی، قلمرو کل آن استان است با این حال به منظور تسهیل یا تسريع در دادرسی به رئیس قوه قضائیه اجازه داده شده است که به طور موردي و موقت اقدام به تشکیل دادگاه کیفری استان در شهرستان محل وقوع جرم نماید.</p> <p>دادسر : دیگر دادسرای استان وجود ندارد و تحقیقات مقدماتی در دادسرای شهرستان محل وقوع جرم صورت می گیرد (جز جرائم منافي عفت) و چون حوزه قضائی بخش فاقد دادسرای است تحقیقات مقدماتی جرم بر عهده رئیس یا دادرس علی البدل دادگاه بخش قرار دارد که به عنوان باز پرس عمل نموده و پس از صدور قرار نهایی پرونده را نزد دادستان شهرستان آن حوزه قضائی ارسال می کند تا وی با صدور کیفر خواست پرونده را برای رسیدگی به دادگاه کیفری استان ارسال نماید.</p> <p>پس از ارسال پرونده از دادسرای دادگاه کیفری استان <u>دادستان شهرستان مرکز استان</u> یا نماینده او قطع نظر از محل ارتکاب جرم وظایف دادستان (دفاع از کیفرخواست) را انجام می دهند</p>
جرائمی که رسیدگی به آنها در صلاحیت دادگاه کیفری استان است : (قصر حمام - قاسم قرصه)	<p>۱- جرائمی که <u>مجازات قانونی</u> آنها قصاص عضو - قصاص نفس - اعدام - رجم - صلب- حبس ابد باشد</p> <p>۲- جرائم مطبوعاتی - سیاسی (این جرائم در دادگاه تجدد نظر استان ابتدائی، رسیدگی و در این خصوص دادگاه مذکور دادگاه کیفری استان نامیده می شود. تشکیل دادگاه با پنج نفر قاضی (یک رئیس - چهار مستشار) ← جرائمی که <u>مجازات قانونی</u> آنها قصاص نفس - اعدام - رجم- صلب- حبس ابد باشد.</p> <p>تشکیل دادگاه با سه نفر قاضی (یک رئیس - ۲ متسار) ← جرائمی که <u>مجازات قانون آنها</u> قصاص عضو و جرائم مطبوعاتی وسیاسی باشد</p> <p>حل تعارض صلاحیت دادگاه کیفری استان و دادگاه اطفال ← مرجع حل اختلاف دیوان عالی کشور است.</p>
* اگر متهم زیر ۱۸ سال بالغ یکی از جرائمی را مرتکب شده که در صلاحیت دادگاه کیفری استان است به جرائم او در دادگاه کیفری استان رسیدگی می شود نه دادگاه اطفال ( مواد مخدر که مجازات آن اعدام در صلاحیت دادگاه کیفری استان اما مجازات اعدام نباشد همچنان دادگاه اطفال رسیدگی ) و اگر متهم فرد زیر ۱۸ سال بالغ مرتکب جرمی شود که رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه انقلاب است به جرم او همچنان در دادگاه اطفال (آشوری میگه دادگاه انقلاب) رسیدگی شد.	

## مراجع اختصاصی رسیدگی

<p>اگر شخصی متهم به ارتکاب چند جرم از درجات مختلف باشد دادگاهی باید به تهامت او رسیدگی که صلاحیت رسیدگی به مهمترین جرم را دارد.</p> <p>چنانچه بزهی به اعتبار ترتیب یکی از مجازات هایی که در صلاحیت دادگاه کیفری استان است در آن دادگاه مطرح گرد و دادگاه پس از رسیدگی تشخیص دهد عمل ارتکابی عنوان مجرمانه دیگری دارد که رسیدگی به آن صلاحیت دادگاه عمومی جزائی است این امر موجب نفی صلاحیت دادگاه نخواهد بود و باید به این بزه رسیدگی و حکم متقضی صادر نماید.</p>	<b>مراجع قضایی</b>
<p><b>دادگاه نظامی:</b> دادستانی و دادگاه های نظامی بخشی از قوه قضاییه کشور و مشمول اصول مربوط به این قوه هستند</p> <p>صلاحیت : رسیدگی به جرائم مربوط به <u>وظائف نظامی یا انتظامی</u> اعضاء ارتش، زاندارمی، شهربانی ، سپاه پاسداران را محاکم نظامی مطابق قانون عهده دار است.</p> <p>جرائم مربوط به <u>وظائف خاص نظامی و انتظامی</u>: بزه های است که اعضای نیروهای مسلح در ارتباط با <u>وظائف و مسئولیت های نظامی و انتظامی</u> که طبق قانون و مقررات بر عهده آنهاست ، مرتكب گردند.</p> <p>جرائم نظامی در معنای خاص : جرمی که ماهیتاً نظامی است و فقط توسط یک فرد نظامی قابل تحقق می باشد مثل فرار از خدمت – لغو دستور</p> <p>جرائم نظامی در معنای وسیع : هر جرمی که فرد نظامی به مناسبت شغل یا وظیفه خودمرتكب می گردد مثل سرقت – اختلاس که ممکن است توسط غیر نظامی هم ارتکاب شود + جرائم خاص نظامی</p>	<b>دادگاه نظامی</b>
<p>افراد نظامی : کارکنان ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی و سازمانهای وابسته – کارکنان ارتش و سازمانهای وابسته- کارکنان سپاه و سازمانهای وابسته و بسیج کارکنان وزارت دفاع و پیشتبانی – کارکنان مشمول قانون نیروی انتظامی – کارکنان وظیفه- محصلان مراکز آموزش نظامی و انتظامی – کسانی که به طور موقت در خدمت نیرو های مسلح و طبق قوانین استخدامی نیروهای مسلح در مدت مزبور از اعضای مسلح محسوب می شوند.</p> <ul style="list-style-type: none"> <li>* هر گاه در حین تحقیقات و رسیدگی به جرائم خاص نظامی و انتظامی <u>جرائم دیگر</u> کشف شود سازمان قضایی نیروهای مسلح مجاز به رسیدگی می باشد.</li> <li>* جرائمی که اسرای ایران عضو نیروهای مسلح در مدت اسارت مرتكب و نیز اسرای بیگانه در مدت اسارت شان در کشور در سازمان قضائی نیرو های مسلح رسیدگی</li> <li>* جرائم مربوط به وظایف کارکنان وزارت اط و نیز مواردی که پرونده مشتمل بر اطلاعات طبقه بندی شده و اسرار ایران باشد در سازمان قضائی نیرو های مسلح رسیدگی</li> <li>* جرائم امنیتی و جرائمی حین خدمت نظامیان در سازمان قضائی نیرو های مسلح رسیدگی می شود.</li> <li>* در تمامی موارد فوق جرائم ارتکابی در مقام ضابط دادگستری از صلاحیت دادگاه های نظامی خارج است و در صلاحیت دادگاه های <u>عمومی</u> است.</li> </ul>	<b>جرائم دیگر</b> <b>جرائم اسراء</b>
<p>مشکل از دادسرای نظامی و دادگاه نظامی بوده – در مرکز هر استان تشکیل می شود و در شهرستان های مورد نیاز ، ناحیه دادسرای نظامی تشکیل می شود.</p> <p><u>دادگاه نظامی ۱</u> : جرائم با کیفر اعدام – رجم- صلب- نفی بلد به عنوان حد جرائم با مجازات قطع عضو یا نقص عضو- با کیفر نصف دیه بالاتر – با کیفر جزای نقدی بیش از دویست هزار تومان</p> <p><u>دادگاه نظامی ۲</u> : سایر جرائم</p> <p>دادگاه های نظامی بر طبق ق.آ.د.ک ۱۲۹۰ و در مورد تجدید نظر مطابق قانون تجدید نظر ۱۳۷۲ رسیدگی می کنند (حبس بیش از ۱۰ سال زندان )</p>	<b>تشکیلات سازمان قضایی نیرو های مسلح</b>

## دادگاه انقلاب

دادگاه انقلاب : محل تشکیل این دادگاه ها شهرهای مرکز استان است و نیز در نقاطی که رئیس قوه قضائی ضرورت تشکیل این دادگاه را تشخیص دهد.  
و با وجود جرائم مهمی که در صلاحیت خود دارد تابع تعدد قضاة نبوده و با یک قاضی تشکیل می گردد.  
جرائمی که رسیدگی به آنها در صلاحیت دادگاه انقلاب قرار دارد :

- ۱- کلیه جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی و محاربه یا افسار فی الارض (جرائم علیه امنیت پرواز یا ایمنی راه ها و راه آهن خارج از صلاحیت این دادگاه قرار می گیرد)
  - ۲- توهین به مقام بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران و مقام معظم رهبری
  - ۳- توطئه علیه جمهوری اسلامی ایران یا اقدام مسلحانه و ترور و تقریب موسسات به منظور مقابله با نظام.
- انگیزه مقابله ← در هر سه شکل عمل متهمن باید وجود داشته باشد      اقدام مسلحانه ← استفاده از سلاح برای مقابله با نظام  
ترور ← ارتکاب جرم علیه اشخاص یا اموال عمومی به منظور ایجاد رعب

- ۴- جاسوسی به نفع اجانب      ۵- کلیه جرائم مربوط به قاچاق و مواد مخدوش ← مهمترین مصاديق قاچاق : صدور اشیاء ممنوع الصدور - وارد کردن اشیاء ممنوع الورود خرید و فروش اموال در انحصار دولت - عدم پرداخت عوارض گمرکی کالاهای مجاز هنگام وارد کردن - وارد یا صادر کردن اسلحه یا خرید و فروش و نگهداری آن و نیز مخفی کرد اسلحه - وارد یا صادر کردن مهمات جنگی و مواد منفجره و محترقه و فشنگ یا خرید و فروش یا ساختن یا مخفی کردن آن - وارد یا صادر کردن دارو بدون مجوز وزارت بهداشت و درمان - جرایم مربوط به مواد مخدوش ← کلیه اعمال از قبیل کشت - تولید - توزیع - خرید و فروش - صادر یا وارد کردن - حمل - نگهداری مخفی کردن یا استعمال آن.      ۶- دعاوى مربوط به اصل ۴۹ قانون اساسی ← دعاوى مربوط به استرداد اموال ناشی از ربا - غصب - رشو - اختلاس - سرقت قمار - سوء استفاده از موقوفات - سوء استفاده از مقاطعه کاری ها - معاملات دولتی - فروش زمین های موات و مباحثات اصلی - دایر کردن اماکن فساد و سایر موارد نا مشروع ، جنبه های کیفری این عناوین در صلاحیت این دادگاه نیست لذا رسیدگی به اتهام ربا خوری و ارتقاء در صلاحیت دادگاه عمومی است.
- \* در جرائم داخل در صلاحیت دادگاه انقلاب که از حیث نوع مجازات در صلاحیت دادگاه کیفری استان نیز محسوب گردند دادگاه انقلاب صالح است

- دادگاه ویژه روحانیت : ویژگیهای این دادگاه ← ۱- عدم تصویب قانونی برای تشکیل آن توسط قوه مقنه - ۲- عدم تعلق آن به سازمان و تشکیلات رسمی قوه قضائیه و فعالیت تحت نظر رهبری      ۳- شب دادگاه های ویژه روحانیت در شهر های محدود مشخص تاسیس گردیده و تابع اصل وحدت قاضی است. به جرائم مطبوعات ارتکابی توسط افراد روحانی با حضور هیئت منصفه رسیدگی می شود. صلاحیت دادگاه ویژه یک صلاحیت شخص و مبتنی بر شخصیت خاص مرتکب است.
- روحانی ← ۱- ملبس به لباس روحانی      ۲- مشغول به تحصیل در حوزه      ۳- با عدم وجود تحصیل در حوزه بدون لباس روحانیت بر تن کردن و اشتغال به کاری غیر از تحصیل عرف روحانی محسوب شود.

- اعمالی که رسیدگی به آن در صلاحیت این دادگاه است ← ۱- کلیه جرائم روحانیون      ۲- کلیه اعمال خلاف شان روحانیون      ۳- اختلاف محلی مخل امنیت عمومی که طرف اختلاف روحانی است
- \* در مواردی که دادگاه ویژه رسیدگی پرونده ای را به سایر مراجع قضائی ذیر بط واگذار کند مراجع مذکور موظف به رسیدگی هستند.
- \* اتهامات شرکاء معاونین و مرتبطین متهم روحانی در دادسرا و دادگاه ویژه مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت.

دادگاه  
انقلاب

دادگاه ویژه  
روحانیت

## مراجع غیر قضایی

**مراجع غیر قضایی :** مراجعی هستند که از افرادی غیر از دارندگان پایه های قضایی تشکیل شده و به تنها یی یا در کنار مراجع قضایی در رسیدگی به برخی جرائم دخالت دارند.

**۱- هیأت منصفه :** جمعی متشکل از افراد عادی از اقشار مختلف جامعه است که در کنار قضات در امر رسیدگی کیفری دخالت دارند.

طبق اصل ۱۶۸ ق.ا: « رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبووعاتی علنی است و با حضور هیات منصفه در محاکم دادگستری صورت می گیرد. نحوه انتخاب، شرایط و اختیارات هیات منصفه و تعریف جرم سیاسی را قانون براساس موازین اسلامی معین می کند »

نحوه انتخاب هیات منصفه ← هر دو سال یک بار در مهر ماه در تهران به دعوت وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و با حضور وی رئیس کل دادگستری استان- رئیس شورای شهر- رئیس سازمان تبلیغات- نماینده شورای سیاستگذاری ائمه جمیع سراسر کشور. در مراکز استان ها ← به دعوت مدیر کل فرهنگ و اسلامی استان و با حضور وی رئیس کل دادگستری استان - رئیس شورای شهر مرکز استان - رئیس سازمان تبلیغات و امام جمیع مرکز استان یا نمایند او.

هئیت مذکور در تهران ۲۱ نفر و سایر استانها ۱۴ نفر از افراد مورد اعتماد عمومی از گروه های مختلف اجتماعی (روحانیون - اسائید دانشگاه- پزشکان و مهندسان و نویسنده ها و ...) به عنوان اعضای هیات منصفه انتخاب می کنند. \* حضور هیات منصفه در رسیدگی ای کیفر الزام است.

نقش و تاثیر این هیئت: پس اعلام نظر هیات منصفه دادگاه در خصوص مجرمیت یا برایت متهم اتخاذ تصمیم نموده و طبق قانون مباردت به صدور رای می نماید.

**شورای حل اختلاف :** به منظور کاهش مراجعات مردم به محاکم قضائی تأسیس شده اند و از سه عضو اصلی و دو عضو علی البدل تشکیل می شوند هیچیک از اعضای شورای کارمند قضائی نیستند و قضات و کارکنان دادگستری و وکلاء و مشاوران حقوقی و پرسنل نیروی انتظامی و اطلاعاتی حق عضویت در شورا را ندارند، در هر حوزه قضایی یک یا چند قاضی از میان قضات دادگستری به عنوان قاضی شورا انجام وظیفه می کنند.

صلاحیت شورا و قاضی شورا: از یک دیگر تفکیک شده است و رسیدگی به برخی دعاوی حقوقی و امور حسبي به قاضی شورا و رسیدگی به برخی امور کیفری در صلاحیت شورا قرار دارد \* در این امور شورا می تواند با تراضی طرفین اقدام به صلح و سازش میان آنها نماید: ۱- کلیه جرایم قابل گذشت ۲- در مورد جنبه خصوصی جرایم غیر قابل گذشت \* صلاحیت شورا در رسیدگی به برخی جرایم: جرایم باز دارنده و اقدامات تامینی و تربیتی و امور خلافی از قبیل تخلفات رانندگی که مجازات نقدی قانونی آن حداقل تا سی میلیون ریال یا سه ماه حبس باشد. \* از لحاظ اختلاف در صلاحیت: نظر مرجع قضائی متابع است. از لحاظ قابلیت اعتراض و تجدید نظر: کلیه آراء شورای حل اختلاف ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدید نظر خواهی است و مرجع تجدید نظر قاضی شورا که در صورت نقض رای خود اقدام به صدور رای می کند.

**سازمان تعزیرات حکومتی :** با توجه به ضرورت نظارت و کنترل دولت بر امور اقتصادی و لزوم هماهنگی مراجع قیمت گذاری و توزیع کالا و اجرای مقررات و ضوابط مربوط به آن کلی امور تعزیرات حکومتی بخش دولتی و غیر دولتی اعم از امور بازرگانی و نظارت ، رسیدگی و صدور حکم قطعی و اجرای آن به دولت محول می گردد تا براساس جرائم و مجاز اتهامی مقرر در قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۲۳/۱۲/۶۷ اقدام نماید. مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام در سال ۱۳۷۳.

هر شعبه بدون با حضور یک رئیس و هر شعبه تجدید نظر با حضور یک رئیس و دو عضو تشکیل می شود. رای شعبه تجدید نظر قطعی و لازم الاجرا است. حکامی که می تواند صادر کند: مجازاتی هم چون جزای نقدی- تعطیلی موقت یا دائم یک واحد صنفی - محروم نمودن آن از تمام یا بعضی از خدمات دولتی.

هیأت  
منصفه

شورای حل  
اختلاف

سازمان  
تعزیرات  
حکومتی

## مراجع رسیدگی تجدید نظر

قاضی باید در موارد معینی برابر تضمین بی طرفی و پرهیز از شائبه جانبداری از یکی از طرفین پرونده خود داری ورزیده و آن را به قاضی دیگری واگذار نماید به این موارد جهات رد دادرس می گویند.

**رد دادرسی:** الف) وجود قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم از هر طبقه بین دادرس و یکی از طرفین دعوی یا اشخاص که در امر جزائی دخالت دارند مثل شرکاء و معاونین جرم ب) دادرس قیم یا مخدوم یکی از طرفین دعوا باشد یا یکی از طرفین مباشر یا متكلف امور قاضی یا همسر او باشد. ج) دادرس یا همسر او یا فرزند آنان وارث یکی از اشخاص باشد که در امر جزائی دخالت دارند. د) دادرس در همین امر جزائی قبل اظهار نظر ماهوی کرده یا شاهد یکی از طرفین باشد. ه) بین دادرس و یکی از طرفین یا همسر یا فرزند او دعوی حقوقی یا جزائی مطرح باشد و یا در سابق مطرح بوده و از تاریخ صدور حکم قطعی ۲ سال نگذشته باشد. و) دادرس یا همسر یا فرزندان آنان نفع شخصی در موضوع مطروح داشته باشند.

\* اظهار نظر دادرس درمورد حل اختلاف بین دادستان و باز پرس و نیز رای دادرس بر قابل تعقیب دانستن متهم ضمن رسیدگی به اعتراض از قرار منع تعقیب از موارد رد دادرس نمی باشد.

**تجدید نظر**  
**خواهی از**  
**رد اظهار ردة**  
**دادرسی**

رد دادرس به قاضی دادگاه اعلام می شود و چنانچه او مورد را از موارد رد دادرس بداند و ایراد را بپذیرد از رسیدگی خودداری کرده و با صدور قرار امتناع از رسیدگی رسیدگی را به دادرس علی البدل همان شعبه یا به شعبه دیگر ارجاع می دهد و در صورت نبودن هیچیک از این دو ، پرونده را به نزدیکترین دادگاه هم عرض ارسال می نماید. چنانچه قاضی ایراد را قبول نکند مکلف است ظرف سه روز با صدور قرار عدم قبول آنرا اعلام کند و به اتهام رسیدگی کند این قرار ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدید نظر در دادگاه تجدید نظر استان است.

**علنی بدن**  
**محاکمه**

رسیدگی به اتهامات اصولاً علنی خواهد بود و منظور از علنی بودن محکمه عدم ایجاد مانع جهت حضور افراد در دادگاه می باشد خبر نگاران رسانه ها می توانند با حضور در دادگاه از جریان رسیدگی گزارش مکتب تهیه کرده و بدون ذکر نام یا مشخصاتی که معرف هویت فردی یا موقعیت اداری یا اجتماعی شاکی و متشکی عنه باشد منتشر نمایند تخلف از این حکم ، در حکم افتر است. و نیز در جرائم مالی نظیر اختلاس یا قاچاق کالا و ارز که عواید حاصل از جرم بیشتر از یکصد میلیون ریال باشد مرجع تجدید نظر مکلف است حداکثر ظرف شش ماه به پرونده رسیدگی کرده و در صورت محکومیت به دستور دادگاه صادر کننده حکم قطعی، خلاصه حکم در یکی از روزنامه های کثیر الانتشار و عند الزوم یکی از روز نامه های محلی منتشر و در اختیار سایر رسانه های عمومی گذاشته می شود.

**حدوده رسیدگی**  
**رای غیابی**

دادگاه در رسیدگی به پرونده فقط به جرائم مندرج در کیفرخواست وفق قانون آیین دادرسی مربوط رسیدگی می نماید و خارج از آن حق رسیدگی ندارد. رای غیابی : رای هنگامی غیابی است که متهم یا وکیل او در هیچیک از جلسات دادگاه حاضر نشده و لایحه هم نفرستاده باشد و گرنه رای حضوری محسوب می گردد. آنچه اهمیت دارد حضور یا عدم حضور این اشخاص یا ارسال یا عدم ارسال لایحه در مرحله محکمه است نه در مرحله تحقیقات مقدماتی.

صدور حکم غیابی در سه مورد جایز است :

الف) جرائم مربوط به حق الناس

ب) جرائم مربوط به نظم حقوقی که جنبه حق الهی ندارد.

ج) جرائم مربوط به حق الله در صدور حکم برائت در صورتی که محتويات پرونده دلالت بر عدم مجرمیت داشته و تحقیق ضروری نباشد.

## واخواهی - تجدید نظر خواهی

واخواهی مهلت واخواهی	واخواهی : اعتراض به حکم غایبی مهلت واخواهی : الف) ابلاغ واقعی : ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ اثر واخواهی : دادگاه اجرای رای را به صورت موقت و در صورت اقتضاء نسبت به اخذ تامین یا تجدید نظر در تامین قبلی اقدام می نماید. امکان اجرای حکم: برای اجرای حکم غایبی ابلاغ حکم «چه واقعی و چه قانونی» کافی است. پس از واخواهی دادگاه دلایل اعتراض محکوم علیه را بررسی و در صورت نیاز وقت رسیدگی تعیین می کند تا طرفین حضور یابند و در صورت موثر نبودن اعتراض واخواه بدون دعوت طرفین و تشکیل جلسه حکم را تایید می کند حکمی که در این مرحله صادر می شود قابل تجدید نظر خواهی است.
تجدد نظر خواهی	اعتراض به حکم قبل از قطعیت: اصولاً حکمی که از سوی دادگاه صادر می شود قطعی نبوده و قابل اعتراض است که به آن تجدید نظر خواهی می گویند ولی با این همه قانونگذار اصل بر قطعیت گذاشته و قابلیت تجدید نظر را استثناء فرض کرده است «آراء دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری قطعی است مگر در موارد ...» آثار تجدید نظر خواهی: الف) اثر تعلیقی: تجدید نظر خواهی مانع قطعیت و لازم الاجرا شدن حکم می گردد. ب) اثر انتقالی: تقاضای تجدید نظر سبب انتقال رسیدگی از مرجع نخستین به مرجع تجدید نظر که اصولاً در رتبه ای بالاتر از مرجع قابلی قرار دارد می شود. اعتراض به حکم در دو مورد اثر تعلیقی ندارد: الف) در مورد حکم برائت ب) تعلیق مجازات (تعلیق تمام مجازات) شرط اثر تعلیقی در قانون: در صورتی که تقاضای تجدید نظر ظرف مهلت مقرر داده شده باشد چنانچه بر اجرای حکم در امور کیفری فسادی مترتب باشد تا اتجاد تصمیم مرجع تجدید نظر اجرای حکم متوقف خواهد شد.
اعتراض به حکم قبل از قطعیت آن	آراء قابل نظر وجهات آن: الف) جرائم با مجازات قانونی اعدام یا رجم ب) جرائمی که به موجب قانون مشمول حد یا قصاص نفس و اطراف می باشد. ج) ضبط اموال بیش از یک میلیون ریال و مصادره اموال د) جرائمی که طبق قانون مستلزم پرداخت دیه بیش از <u>خمس</u> دیه کامل است. ه) جرائمی که حداقل مجازات قانونی آنها بیش از سه ماه حبس یا شلاق یا جزای نقدی بیش از پانصد هزار ریال می باشد. و) محکومیت های انفصال از خدمت.
	ملاک تشخیص آراء قابل تجدید نظر: مجازات پیش بینی شده در قانون برای <u>عمل متهم</u> است نه مجازات مقرر در حکم. * منظور از آراء قابل در خواست تجدید نظر در موارد فوق اعم از محکومیت، برائت، منع تعقیب یا موقوفی تعقیب است. * در مواردی که رای دادگاه راجع به جنبه های کیفری و حقوقی (دعوى ضرر و زیان ناشی از جرم) توأم صادر شده چنانچه یکی از جنبه های مذکور قابل درخواست تجدید نظر باشد جنبه دیگر رای به تبع آن قابل درخواست تجدید نظر خواهد بود.

## تجدييد نظر خواهی

تجدييد نظر خواهی نسبت به جنبه كيفري ← نيازمند تنظيم فرم های مخصوص نبوده ولی مستلزم پرداخت هزينه مربوط به آن است با اين حال استثنائاً هر گاه تجدييد نظر خواه زنداني باشد ، از پرداخت هزينه دادرسي مرحله تجدييد نظر نسبت به امری که به موجب آن باز داشت است معاف خواهد بود.

تجدييد نظر خواهی نسبت به حكم ضرر و زيان ←

هزينه

الف) توسط مدعی خصوصی: مستلزم تقديم داد خواست طبق مقررات آيین دادرسي مدنی و پرداخت هزينه دادرسي مرحله تجدييد نظر

ب) توسط محکوم عليه : مستلزم پرداخت هزينه دادرسي و تقديم دادخواست ( که بدون الصاق تمبر و پرداخت هزينه ممکن نیست ) نمی باشد

\* جهات تجدييد نظر خواهی : الف ) ادعای عدم اعتبار مدارک استنادي دادگاه یا فقدان شرایط قانونی شهادت در شهود یا دروغ بودن شهادت آنها

ب) ادعای مخالف بودن رای با قانون      ج) ادعای عدم توجه قاضی به دلایل ابرازی      د) ادعای عدم صلاحیت قاضی یا دادگاه صادر کننده رای

جهات

\* منظور از کلمه آراء : اعم از حکم یا قرار است . رای وحدت رویه ← اصل بر قابل اعتراض بودن قرار هایی است که اصدار آنها موجبات اضرار به حقوق اصحاب دعوی را فراهم می سازد و بر این اساس صدور قرار انطه توسط دادگاه را قابل تجدييد نظر خواهی شناخته است.

### دارندگان حق تجدييد نظر خواهی و مهلت و مرجع درخواست:

دادگاه صادر کننده حکم دادگاه عمومی جزائی یا انقلاب باشد ← الف) محکومیت علیه یا نماینده قانون او      ب) شاکی خصوصی یا نماینده قانونی او

ج) دادستان از حکم برائت یا محکومیت غیر قانونی متهم

دادگاه صادر کننده حکم یا رای دادگاه کيفري استان باشد: ← الف) محکوم علیه یا نماینده قانونی او      ب) دادستان

ج) مدعی خصوصی یا نماینده قانون وی از حیث ضرر و زيان

مهلت تجدييد نظر خواهی: ← الف) اشخاص مقیم ایران: ظرف مدت بیست روز      ب) اشخاصی که اقامتگاه آنها در خارج از کشور است: ظرف مدت دو ماه از تاریخ ابلاغ

مرجع تسلیم درخواست تجدييد نظر خواهی ← الف) دادگاه صادر کننده رای      ب) دفتر مرجع تجدييد نظر      ج) دفتر بازنشستگان برای افرادی که در باز داشتند

مرجع تجدييد نظر و نحوه رسیدگی: در حال حاضر دو مرجع تجدييد نظر با صلاحیت های متفاوت و مشخص وجود دارد که به اعتراض تجدييد نظر خواه از حکم مرحله نخستین رسیدگی می کند.

۱ - دادگاه تجدييد نظر استان : مرکب از یک رئیس و دو منشار بوده و در مرکز هر استان تشکیل می شود و صلاحیت محلی آن نیز محدود به تجدييد نظر نسبت به احکام دادگاه های مستقر در همان استان است.

۲ - دیوان عالی کشور: مرکب از رئیس متشار عضو معاون است و قبل از صدور رای ، دادیار دیوان عالی کشور نیز مداخله نموده و در خصوص موضوع اظهار نظر می کند.

\* مرجع تجدييد نظر از حکم دادگاه عمومی جزائی یا دادگاه انقلاب ← دادگاه تجدييد نظر استان

\* مرجع تجدييد نظر از احکام و آراء دادگاه کيفري استان ← دیوان عالی کشور

دارندگان  
حق تجدييد  
نظر خواهی

مرجع

تجدييد نظر

## ادامه مباحث تجدید نظر خواهی

### نحوه رسیدگی دادگاه تجدید نظر و دیوان عالی کشور.

نحوه رسیدگی دادگاه تجدید نظر استان: این دادگاه به صورت ماهوی رسیدگی می کند بدین منظور اگر رسیدگی دادگاه نخستین را کافی نداند و برای شنیدن اظهارات طرفین و بررسی دلایل آنها را لازم بداند می تواند آنها را احضار نماید و برخلاف مرحله نخستین برگزاری جلسه محاکمه در دادگاه تجدید نظر استان الزام نبوده و بستگی به تشخیص لزوم آن توسط قضاط این دادگاه دارد

رأی دادگاه تجدید نظر ممکن است مبنی بر تایید یا نقض حکم تجدید نظر خواسته باشد:

تایید رای صادره از دادگاه نخستین ← پرونده را به دادگاه نخستین ارسال می کند (دادگاه صادر کننده حکم)

نقض رای به علت عدم صلاحیت صادر کنند → ارسال پرونده به مرجع صالح

نقض رای به علت خلاف قانون یا شرع بودن ← رأی را نقض و خود اقدام به صدور رای می کند.

نقض قرار مثل قرار موقوفی و ... ← ارسال پرونده به دادگاه صادر کننده جهت رسیدگی ماهوی

دادگاه تجدید نظر در صورت نقض رای و اقدام به صدور رای جدید برای صدور حکم برائت یا قرار موقوفی تعقیب با محدودیتی مواجه نیست ولی با اجتماع دو شرط نمی توان مجازات مورد حکم در مرحله بدوي را شدید کند:

۱ - مورد رسیدگی از جرائم تعزیری و باز دارنده باشد. ۲ - دادستان یا شاکی هیچکدام در خواست تجدید نظر کرده باشند

پس اگر جرم از جرائم تعزیری یا یازدارنده باشد و دادستان یا شاکی در خواست تجدید نظر کرده باشند دادگاه تجدید نظر می تواند مجازات را تشدید کند.

اگر مجازات مقرر در حکم از نوع حدی باشد تشدید مجازات محکوم علیه حتی بدون درخواست تجدید نظر توسط دادستان یا شاکی با اشکالی مواجه نیست.

نحوه رسیدگی در دیوان عالی کشور: رسیدگی اصولاً ماهوینیست و شکلی می باشد و دیوان عالی کشور پس از نقض رای تجدید نظرخواسته ، خود به صدور رای نمی پردازد بلکه پرونده را جهت رسیدگی و صدور رای به شعبه هم عرض دادگاه صادر کننده حکم ارسال می دارد لذا به این مرجع ، مرجع نقض و ابرام می گویند نه مرجع صدور حکم .

تایید رای نخستین ← پرونده مختومه شده و جهت اجرای مفاد آن به مرجع صادر کننده رای اعاده می شود

نقض رای صادره به علت نقض تحقیقات ← با ذکر موارد آن و دستور رفع نقض آن را به دادگاه صادر کننده رای اعاده می کند تا رفع نقض کرده و اقدام به صدور رای کند و این رای که صادر می شود قابل تجدید نظر خواهی بود.

نقض رای به دلیل جرم بودن یا در صورت جرم بودن ، مشمول مرور زمان شدن یا غیره ← نقض بلا ارجاع و مختومه شدن پرونده

نقض رایی که به صورت قرار صادر شده باشد ← پرونده برای ورود به ماهیت و صدور حکم به دادگاه صادر کننده قرار اعاده می شود.

نقض رای تجدید نظر خواسته به علت خلاف قانون و دلایل موجود در پرونده بودن ← ارسال پرونده به دادگاه هم عرض دادگاه صادر کننده رای

نقض رای تجدید نظر خواسته به علت اینکه از دادگاه فاقد صلاحیت شده است ← ارسال پرونده به مرجعی که دیوان صالح تشخیص دهد.

نحوه رسیدگی در دادگاه تجدید نظر استان

نحوه رسیدگی در دیوان عالی کشور

<p>رای اصراری: وقتی که دیوان عالی کشور به دلیل مغایر بودن رای صادر شده از دادگاه بدوى را با قانون ، نقض می کند و پرونده را به دادگاه هم عرض ارجاع می دهد این دادگاه ممکن است رایی متفاوت از رای صادره از دادگاه اول را صادر یا همان رای صادر شده را دوباره صادر کند که در این صورت اخیر به رای صادر شده ، رای اصراری گویند این رای باز هم قطعی نبوده و قابل اعتراض است. در صورت اعتراض اگر رای مذکور با رای دادگاه قبلی متفاوت باشد شعبه دیوان به آن رسیدگی کرده و تصمیم می گیرد و اگر رای همانند رایی باشد که دیوان به آن رسیدگی کرده و آن را نقض نموده ، اگر اینبار استدلال دادگاه را پذیرید حکم را تایید میکند و گرنه پرونده را جهت اتخاذ تصمیم به هیئت عمومی شعب دیوان ارسال می کند و اگر هیات عمومی آنرا صحیح دانست تایید می کند و اگر دادگاه نظر شعبه دیوان را صحیح دانست رای را نقض و به دادگاه هم عرض دیگری ارسال و دادگاه مذکور با توجه به استدلال هیات عمومی حکم متقضی را صادر، این حکم قطعی است.</p>	رای اصراری
<p>تجدید نظر های تابع مقررات خاص: تجدید نظر هایی که در قوانین عام مربوط به آیین دادرسی کیفری پیش بینی شده و تابع مقررات خاصی است.</p> <p>۱- احکام دادگاه های انقلاب در امور مربوط به مواد مخدوش احکام اعدامی که به موجب قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدوش صادر می شود پس از تایید رئیس دیوان عالی کشور و یا دادستان کل کشور قطعی و لازم الاجرا است. در سایر موارد ، چنانچه حکم به نظر رئیس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور در مضان آن باشد که بر خلاف شرع یا قانون است و یا آنکه صادر کننده حکم صالح نیست ، رئیس دیوان عالی یا دادستان کل کشور حق تجدید نظر و نقض حکم را دارند لکن این حق مانع قطعیت و لازم الاجرا بودن حکم نیست.</p> <p>۲- تجدید نظر خواهی از آراء دادگاههای نظامی ← آراء دادگاه نظامی ۱ = دادگاه نظامی ۲ = دیوان عالی کشور</p> <p>۳- تجدید نظر خواهی از آراء دادگاه ویژه روحانیت: دادگاه تجدید نظر ویژه روحانیت ، مرکب از یک رئیس و دو متشار است.</p>	تجدید نظر های تابع مقررات خاص
<p>اعتراض به حکم بعد از قطعیت آن</p> <p>احکام قطعی: ۱- به موجب قانون در هنگام صدور قطعی و غیر قابل اعتراض باشد ۲- حکم در هنگام صدور قابل اعتراض بوده در ظرف مهلت مقرر به آن اعتراض نشده و قطعی شده باشد. ۳- حکم در هنگام صدور قابل اعتراض بوده و ظرف مهلت مقرر نیز نسبت به آن اعتراض صورت گرفته و در مرجع تجدید نظر رسیدگی و حکم صادر شده باشد (دادگاه صادر کننده حکم قطعی دادگاه تجدید نظر است).</p>	اعتراض به حکم قطعیت
<p>اعاده دادرسی عام از طرق دیوان عالی کشور :</p> <p>برای اعتراض به احکام قطعی دو راه وجود دارد ← ۱- از طریق موافقت رئیس قوه قضائیه (اعاده دادرسی خاص) ۲- از طریق موافقت دیوان عالی کشور</p>	اعاده دادرسی عام
<p>مرجع اصلی و عام نظارت بر اجرای صحیح قوانین در محاکم ، دیوان عالی کشور است که بواسیله آن دادگاه دیگری هم عرض دادگاه صادر کننده حکم قطعی با موافقت دیوان عالی کشور یک بار دیگر به اتهام شخصی که در مورد او حکم قطعی صادر شده ، رسیدگی می نماید. مهمترین ویژگی اعاده دادرسی این است که اجرای مجازات موضوع حکم ، مانع اعتراض به آن حکم و در خواست اعاده دارسی نیست و حتی اگر مجازات اجرا شده باشد محکوم علیه میتواند از طریق اعاده دادرسی و اثبات بی گناهی خود از تحمل مجازات تکمیلی و تبعی رهایی یافته و با رفع انگ از خود حیثیت از دست رفته خود را در جامعه بازیابد و نیز خسارت ناشی از اجرای ناروا را بخواهد. از طرف دیگر حتی فوت محکوم علیه نیز مانع استفاده از این طریق نیست و با اینکه فوت متهم یا محکوم علیه از جهات سقوط دعواه عمومی است و مانع ادامه تعقیب کیفری است اما امکان در خواست اعاده دادرسی پس از فوت محکوم علیه توسط وارث او وجود دارد.</p>	ویژگی های اشخاص که حق اعاده دادرسی
<p>اشخاص که حق در خواست اعاده دادرسی دارند: ۱- محکوم علیه یا وکیل یا قائم مقام قانونی او و در صورت غیبت یا فوت محکوم علیه همسر و وراث قانون و وصی او</p> <p>۲- دادستان کل کشور ۳- دادستان</p>	۴

	<b>جهات اعاده دادرسی:</b> ۱- در صورتی که کسی به اتهام قتل شخص محکوم شده لیکن زنده بوده شخص در آن زمان محدد شود و یا ثابت شود که در حال حیات است. ۲- در صورتی که چند نفر به اتهام ارتکاب جرمی محکوم شوند و ارتکاب جرم به گونه ای است که نما تواند بیش از یک نفر مرتكب داشته باشد ۳- در صورتی که شخص به علت انتساب جرمی محکومیت یافته و فرد دیگری نیز به موجب حکمی از مرجع قضائی دیگر به علت انتساب همان جرم محکوم شده باشد به طوری که از تعارض و تضاد مفاد دو حکم صادره بی گناهی یکی از آن دو نفر محکوم احراز شود ۴- جعلی بودن اسناد یا خلاف واقع بودن شهادت گواهان که مبنی حکم صادره شده بوده است ثابت گردد ۵- در صورتی که پس از صدور حکم قطعی جدیدی حادث و یا ظاهر شود یا دلایل جدیدی ارایه شود که موجب اثبات بی گناهی محکوم علیه باشد ۶- در صورتی که به علت اشتباه قاضی کیفر حکم متناسب با جرم نباشد ۷- در صورتی که قانون لا حق مبنی بر تخفیف مجازات نسبت به قانون سابق باشد که در لین صورت پس از اعاده دارسی مجازات جدید نباید شدید تر از مجازات قبلی باشد	<b>جهات اعاده</b> <b>دادرسی</b>
	<b>اصولاً اعاده دادرسی وسیله برای اعتراض به حکم محکومیت است نه حکم برائت لذا برای شاکی بعد از قطعیت حکم برائت حقی در قالب درخواست اعاده دادرسی شناخته نشده است در خواست اعاده دادرسی مهلت ندارد. تقاضای اعاده دادرسی به دیوان عالی کشور تسلیم می شود و در صورت احراز انطباق در خواست با جهات اعاده دادرسی دیوان عالی کشور ضمن پذیرش اعاده دادرسی رسیدگی مجدد را به دادگاه هم عرض دادگاه صادر کننده حکم قطعی ارجاع می نماید.</b> <b>صرف تسلیم اعاده دادرسی موجب توقف اجرای حکم یا تاخیر در اجرای آن نیست حتی صدور دستور توقف اجرای حکم به تقاضای کسی پیش بینی نشده است اما اگر پس از رسیدگی به درخواست این در خواست مورد قبول قرار گرفت رای دیوان در پذیرش اعاده دارسی اجرای حکم را در صورت عدم اجراء تا اعاده دادرسی و صدور حکم مجدد به تعویق خواهد انداخت. در این حالت به منظور جلو گیری از فرار یا مخفی شدن (محکوم علیه) اگر تامین متناسب اخذ نشده باشد یا اخذ شده ولی منتفی شده باشد تامین لازم اخذ خواهد شد مرجع صدور قرار تامین: دادگاه که پس از صدور تجویز اعاده دادرسی به موضوع رسیدگی می نماید.</b> <b>گذشت شاکی خصوصی در جرائم غیر قابل گذشت بعد از صدور حکم قطعی موجب اعاده دادرسی نیست ولی گذشت شاکی خصوصی در جرائم قابل گذشت موجب می شود تا محکوم علیه بتواند که از دادگاه بخواهد که در میزان مجازات تجدید نظر نماید.</b>	<b>مواد اعتراض</b>
	<b>آثار اعاده دادرسی</b> <b>اعاده دادرسی خاص</b> اعاده دادرسی خاص از طریق رئیس قوه قضائیه: از انجام که تجویز این شکل از اعاده دادرسی در اختیار شخص خاص است آن را اعاده دادرسی خاص نامیده اند آراء قطعی دادگاه های عمومی و انتقال نظامی و دیوان عالی کشور جز از طریق اعاده دادرسی و اعتراض ثالث قابل رسیدگی مجدد نیست مگر در مواردی که رای به تشخیص رئیس قوه قضائیه خلاف بین شرع باشد که در این صورت این تشخیص به عنوان یکی از جهات اعاده دادرسی محسوب و پرونده حسب مورد به موقع صالح برای رسیدگی ارجاع می شود. خلاف بین شرع: مغایرت رای با مسلمات فقه و در موارد اختلاف نظر میان فقهها نظر ولی فقیه یا مشهور فقهها ملاک واقع می شود تشخیص رئیس قوه قضائیه به معنای تجویز اعاده دادرسی است. به درخواست کننده اعاده دادرسی از رئیس قوه قضائیه «متقضی» گفته می شود. <b>مهلت تقاضای این اعاده دادرسی : یک ماده از تاریخ قطعیت حکم (ابلاغ رای قطعی) مرجع تسلیم در خواست: اعاده دادرسی از آراء:</b> <b>۱- ابرام شده در دادگاه همعرض صادر کننده حکم بدرو قطعی شده در دادگاه تجدید نظر</b>	<b>اعاده دادرسی خاص</b>

## دلایل اثبات در امور کیفری

<p>دلیل: هر گونه وسیله‌ای که وجود یا عدم امری را و یا صمت و سقم ادعایی را اثبات کند.</p> <p>اهمیت دلیل: دلایل در امور کیفری از اهمیت بیشتر نسبت به امور حقوقی برخورد دارند. در واقع به غیر از اهمیت منافع حقوقی که محدود کردن آنها در امور کیفری مطرح است طبع خاص موضوع دلیل نیز بر اهمیت آن در این امور افزوده است بر خلاف امور حقوقی که طرفین یک رابطه حقوقی در هنگام ایجاد حقوق و تکالیف ناشی از آن به ایجاد دلیل اثبات آن نیز مبادرت می‌ورزند در امور کیفری اصولاً اثبات وقایعی مطرح است که تحقیق آنها از پیش مطرح نبوده و کسی در صدد تهیه آن نیز بر نیامده است لذا نقش قاضی در امور کیفری فعال تر از رسیدگی‌های حقوقی است.</p>	<p><b>دلایل اثبات</b></p>
<p>۱- محتوای اصل برائت: یکی از اصول تضمین کننده حقوق و آزادی‌های فردی است که مطابق آن هر کس بی‌گناه فرض می‌شود مگر اینکه ارتکاب جرمی توسط او به اثبات برسد. ۲- آثار برائت: ۱- با ارائه دلیل مجرمیت بر عهده دادستان است که در دعواه عمومی طرف اصلی متهم محسوب می‌شود و در صورت وجود شاکی خصوصی وی نیز همچون دادستان مکلف است که دلیل مجرمیت متهم را ثابت کرده و ارائه دهد.</p> <p>برای اثبات انتساب جرم به متهم هر جدمی سه عنصر قانونی - مادی - معلوی دارد که باید دلیل اثبات هر یک از اینها ارائه شود:</p> <p>عنصر قانونی: ثابت کردن وجود متن قانونی است که عمل منتبه به متهم را جرم دانسته و در زمان ارتکاب آن لازم الاجرا بوده است و با انتشار کلیه قوانین در روزنامه رسمی اثبات آن دشوار نیست.</p>	
<p>عنصر مادی: تجلی خارجی فکر مرتكب است که معمولاً به صورت فعل - ترک فعل حالت- وضعیت- نگهداری بروز می‌کند مهمترین بخش اثبات جرم است.</p> <p>عنصر روانی: حالت ذهنی مرتكب یا محتوای ذهن او در هنگام ارتکاب عمل است که حسب مورد موجب تحقق جرم عمدی یا غیر عمدی می‌شود این حالت ذهنی در برخی جرائم حالت قصد و خواست ارتکاب عمل و در برخی صرف بی احتیاطی و بی مبالغه در ارتکاب عمل است. اثبات آنچه در هنگام ارتکاب عمل در ذهن متهم می‌گذشته بسیار دشوار است زیرا با وجود اثبات عنصر مادی متهم سعی در انکار قصد ارتکاب جرم و تحصیل نتیجه مجرمانه دارد تا با عدم اثبات عمدی بودن از مجازات جرم عمدی رهایی یابد و یا اصلاً از مسئولیت کیفری رها شود.</p>	<p><b>تکلیف ارائه دلیل</b></p>
<p>۳- اثر ذکر شده بن نتیجه را به دنبال دارد که پس از اثبات مجرمیت متهم در صورت ادعای وجود یک حامل توجیه کننده یا صلب مسئولیت کیفری متهم باید آنها را ثابت کند البته علی المدعی ۴- چون اصل بر برائت است متهم مجبور به اثبات بی‌گناهی خود نیست چرا که اصل نیاز به اثبات ندارد لذا هر گونه شکنجه یا اجبار به شهادت اقرار - سوگند مجاز نیست و فاقد آثار قانونی اند. ۵- تفسیر به نفع متهم چرا که اصل بر برائت است و خروج از اصل نیازمند دلیل است نه بقاء بر اصل.</p> <p>۶- آزادی متهم به طور فوری پس از صدور حکم برائت متهم حتی قبل از قطعیت حکم.</p>	
<p>نظام دلایل قانونی: دلایل و ارزش اثباتی هر دلیل از قبل تعیین گردیده و در صورت ارائه آنها قاضی حتی بر خلاف عقیده خود ناگزیر از صدور حکم براساس آن دلایل است و در دوره‌ای که از نظام دادرسی تلقیش پیروی می‌کرد توجیه پذیر بود تا از خود کامگی قضاط جلو گیری کند.</p> <p>نظام اعتقاد درونی - اقناع وجدانی: قاضی ملزم به قبول هیچ دلیلی نیست بلکه در ارزیابی هر دلیل آزادی کامل دارد و تنها محدودیت از آزادی دلیل استفاده از طریق غیر قانونی برای تحصیل و بهره برداری از دلیل است یعنی دلایلی که به نحو غیر قانونی به دست امده است و این برای تضمین سلامت دادرسی و جلو گیری از سوء استفاده مقامات قضایی و ضابطین دادگستری از مقام خود است. از این رو از اصل درستکاری در تحصیل دلیل سخن گفته شده است</p>	

## ارزیابی بی دلایل

<p>ادامه بحث ارزیابی دلایل: در جرائم مستوجب حد، قصاص، دیه: نظام دلایل قانونی در سایر جرائم ← نظام اقنان و جدانی قاضی مجبور نسبت که اگر اعتقاد به بی گناهی متهم دارد به اقرار و توجه کند یا با اطلاع از اینکه اقرار متهم تحت شکنجه صورت گرفته به این استناد (اقرار) او را محکوم کند. لازم نیست که قاضی برای صدور حکم محاکومیت متهم، همیشه به علم و اقناع و جدانی برسد بلکه دلایل مانند اقرار - شهامت هم عرضی علم قاضی موجب اثبات جرم تلقی شده اند نه این که لزوماً موجب علم قاضی برای اثبات جرم گردند.</p>	ارزیابی دلایل
<p>مهمنترین دلایل اثبات: در نظام اقنان و جدانی باز گشت همه دلایل به علم قاضی است. اقرار: قبول ارتکاب عمل مجرمانه توسط کسی که آن عمل به او نسبت داده شده است. «اقرار العقلاء على لنفسهم جائز» ولی با این حال در اهمیت اقرار نیز نباید اغراق نمود و بدون هیچ تحقیقی آن را پذیرفت زیرا اقرار گاهی به دلایل احساسات یا دلایل عاطفی برای رهانیدن مرتكب اصلی از تعقیب و مجازات صورت می گیرد. در بهره برداری از اقرار قاضی می تواند مفاد آنرا تجربه کند و بر خلاف تمور مدنی که اقرار در آن غیر قابل تفکیک است در امور کیفری اصل بر قابل تفکیک بودن اقرار است</p>	مهمنترین دلایل اثبات
<p>شهادت: بیان آنچه شاهد دیده به نفع و به ضرر اشخاص ثالث تزلزل شهادت: به دلیل دوری یا نزدیکی شاهد به محل وقوع جرم- شرایط جوی و اقلیمی نظیر تاریکی یا روشنی هوا قدرت بینایی، گذشت زمان و فراموشی و ... ادای شهادت الزامی نیست هر چند شاهد پس از دوباره احضار جلب می گردد ولی باز هم در صورت جلب و حضور مکلف به ادای شهادت نیست. متهم از حقوق برخوردار است مثل داشتن وکیل که شاهد از آن برخوردار نیست لذا متهم را نمی توان به عنوان شاهد احضار و پس اتهام را به وی تفهم نمود. شرایط شاهد که به عنوان دلیل شرعی شهادت می دهد: ۱- بلوغ ۲- عقل ۳- ایمان ۴- طهارت مولد ۵- عدالت ۶- عدم وجود انتفاع شخصی برای شاهد یا رفع ضرر از او ۷- عدم وجود دشمنی دنیوی بین شاهد و طرفین دعوا ۸- عدم اشتغال به تکدی و ولگردی. مطلع اگر کسی که خود به طور عینی واقعه مورد نظر را ندیده است صرفه اقدام به ارائه اطلاعات خود از آن واقعه نماید چنین کسی مطلع نامیده می شود و اظهارات او ارزش شهادت را ندارد بلکه در حدود اماره قضائی قابل بهره برداری است. amarat قضای: وقایعی که در نظر قاضی می تواند نشانه وقوع یا عدم وقوع امری باشد ارزیابی بی میزان اعتبار و دلالت این امارت با قضی است که با فقدان دلایل دیگر نقشی مهمی در کشف حقیقت دارند. مثل نظر کارشناس در صورت مغایرت عقیده کارشناسی با اوضاع و احوال قضیه قضی الزام به تعییت از آن نداشته و می تواند براساس قوانین دیگر حکم صادر و یا موضوع را جهت بررسی مجدد به کارشناسان دیگر ارجاع نماید.</p>	مهمنترین دلایل اثبات